

شرح اجمالی آثار
تحت حمبشید



تألیف: سید محمد تقی مصطفوی

بهاء:
سی ریال

چاپ تابان

شرح اجمالی آثار
تخت محمد سید

تألیف

سید محمد تقی مصطفوی

بضمیمہ ۲۹ تصویر و دو نقشہ

چاپ اول

فروردین ماہ ۱۳۳۰ خورشیدی

چاپ تابان

تخت دارای بلند اختر^(۱) بر پاست هنوز
فر و پیروزی ما ملت پیداست هنوز



کاخ کسری بلب دجله هوید است هنوز
ماند آن ملک گزو ماند بجا نام و نشان

تقدیم به محضر استاد فرزانه ابراهیم پورداود که از اوان تجولنی
تا هنگام پیری همّت خود را در کمال اخلاص صرف زنده کردن فرهنگ
و تاریخ ایران باستان نموده در راه این هدف مقدّس هیچگاه از پای ننشسته
بدون نظاهر و بی هیچگونه ریا و شائبه بخدمت بسذیقمت و پرمعنی حقیقی
خویش ادامه داده است - اشعار فوق را ضمن ترجیع بند مفصّلی در ۴۲ سال
پیش هنگام مسافرت از بیروت به اسلامبول در کشتی سروده نمونۀ از
احساسات همانوقت استاد را بتاریخ و گذشته میهن نشان میدهد.

(۱) یعنی تخت جمشید

مقدمه

بدون تردید همانطور که زیارت خانه خدا بر هر فرد مسلمان و مستطیع که واجد شرائط حج باشد واجب است، بهر يك از ایرانیانی هم که وضع زندگیشان اقتضا کند، بازدید آثار معظم تخت جمشید از لحاظ ملیت و اطلاع بر سابقه تاریخ و تمدن میهن عزیز، فرض و ضروری است و هر اندازه سطح فرهنگ عمومی مردم ایران بالا رود و صنایع مربوط برشته معماری و ساختمان، پیشرفت نمایند و وسائل مسافرت فراوانتر و آسانتر گردد، بر مشتاقان دیدار بقایای کاخهای شاهنشاهان عظیم هخامنشی در دامنه کوه رحمت، یعنی در مشرق جلگه تاریخی مرو دشت افزوده میگردد. چنانکه همه ساله از شهرهای دور و نزدیک ایران دسته های متعدد دانش آموزان و دانشجویان و بسیاری مردم علاقه مند و شخصیتهای مهم، مخصوصا در روزهای تعطیل نوروز زیارت این آثار شتافته خاطر خود را با مشاهده شواهد بارز و قطعی عظمت ایران کهن، شاد و خرم مینمایند و هر چند بمقتضای روحیه هر کس احساساتی تأثیر آمیز یا افکاری آمیخته بحسرت در ضمن ملاحظه نقوش و حجاریها و ستونها و درو دیوار شکسته آن پدیدار میگردد و هیجانهایی گوناگون در اشخاص بوجود میآورد، ولی هر چه باشد در خارج از محیط گرفتار و زندگی آشفته کنونی که مخصوصا در شهرهای بزرگتر ایران حکم فرما بوده ناراحتی و فرسودگی دماغ و اعصاب نمره اصلی آنست، آشنائی با روح بلند و افکار پرنمر سازندگان کاخهای تخت جمشید نتایج غیر قابل وصفی دارد که تنها کسانی که آنها را از نزدیک بنگرند بدرك آن نائل میآیند.

نگارنده که بیش از سه سال از مدت خدمتگزاری خود در راه مفاخر ملی و آثار باستانی را، در تخت جمشید گذرانده از سال ۱۳۱۱ تا کنون پیوسته باین آثار سر و کار داشته ام، با توجه بر و حیات دسته های مختلف بازدید کنندگان و افراد فراوان و اردین آنجا از هر طبقه که افتخار راهنمایی و ادای توضیحات جهت ایشان نصیب گردیده است، از هر بابت لازم دانست راهنمای اجمالی تهیه نماید که حاوی اطلاعات ضروری و توضیحات مناسب درباره این مفاخر ملی بی نظیر باشد. لذا پس از مشورت و جلب نظر همکاران جمند خود آقای علی سامی رئیس لایق بنگاه علمی تخت جمشید که از سال ۱۳۱۸ باینطرف در آن محل اشتغال داشته از چند سال قبل هم مستقیما امور این قسمت را عهده دار بوده با علاقه و ایمان مخصوص آثار مزبور را اداره نموده و مینمایند به تهیه این راهنمای اجمالی پرداختن تا از این این آثار معظم تاریخی و ملی از هنگام رسیدن به مدخل تخت جمشید و بالا رفتن از پلکانهای بزرگ ورودی، بنحوی منظم و ساده اطلاعات مربوط بهر قسمت این آثار را در دسترس داشته باشند. (۱)

(۱) خوانندگان عزیز که میخواهند آثار تخت جمشید را با استفاده از این راهنما بازدید فرمایند، در صورتیکه از پلکان ورودی بزرگ تخت جمشید وارد صفه نشده و از راه انومیل رو، بیالای صفه برسند، بهتر است به پیروی از وضع اصلی کاخهای معظم تخت جمشید، بطرف پلکان بزرگ ورودی و مدخل تخت جمشید رفته بازدید آثار را از آنجا آغاز فرمایند.

بدیهی است مطالب مذکور در این مختصر برای اقناع واردین و بازدید کنندگان آن در گردش نسبتاً کوتاه تهیه گشته بحث در جزئیات ساختمانی هر بنا و ذکر تغییر و تبدیلهای بعدی و بررسی دقیق نکات فنی و صنعتی هر یک آنها در این راهنما مورد پیدانمیکند. با عرض مراتب بالا اگر خوانندگان گرامی عیب و نقصی بنظرشان برسد تمنی دارد بآن که آن به نگارنده موجبات امتنانم را فراهم و در تکمیل این خدمت ناچیز معاضدت فرمایند که بموقع خود از راهنمایی و تذکرات علاقه مندان مستفیض و بهره مند گردد.

الفضل للمتقدم

همکار گرامی آقای حسین بصیری رئیس فعلی موزه مردم شناسی که از ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۵ بازرس فنی اداره کل باستانشناسی و شاغل سمتهای مختلف و شایسته در آن اداره بودند در طول مدت دو سال و نیم توقف و مأموریت خودشان در تخت جمشید راهنمای جامع و مشروحی برای علاقه مندان به آثار تخت جمشید نگاشته درباره آثار بازار گاد و نقش رستم و نقش رجب نیز اجمالاً در آن اشاره فرموده اند و این راهنمای جامع با داشتن ۵۹ کراور و یک نقشه جمعی بیش از ۱۶۰ صفحه بقطع تقریبی همین راهنمای اجمالی بود که در مرداد ۱۳۲۵ از طرف وزارت فرهنگ بچاپ رسید و نسخه های آن روبانام است و نگارنده هم ضمن تهیه این مختصر در برخی موارد بآن مراجعه و استفاده نموده ام.

راهنمای حاضر از راهنمای فوق الذکر مختصرتر تدوین شده و در عین حال بعضی اطلاعات که بر اثر خاکبرداریها و کاوشهای ۱۲ سال اخیر یعنی پس از پایان اقامت و مأموریت آقای بصیری بدست آمده ذکر آنها در چنین راهنمایی اجمالاً مورد پیدا میکرد بموقع خود مذکور گشته است.

در اینجا وظیفه خود میدانم تشکرات قلبی خویش را از آقای گدار مدیر کل و مشاور فنی باستان شناسی که پس از اطلاع از تصمیم اینجانب مبنی بر تهیه این رساله علاوه بر اظهار خوشوقتی فراوان با نظریات صائب و راهنماییهای مفید خود موجبات تشویق بیشترم را در انجام این خدمت ناقابل فرهنگی و ملی فراهم ساخته اند تقدیم دارم ضمناً از همکار ارجمندم آقای علی حاکمی که نقشه ضمیمه این رساله را با کمال دقت تهیه نموده اند و از هنرمند محترم آقای تقی آصفی که نقاشیهای پشت کتاب و خطوط میخی آخر کتاب را بنای تقاضای اینجانب ترسیم کرده اند و همچنین از آقای مرتضی رستمی قمی عکاس باستانشناسی که یک قسمت عکسهای مورد استفاده را در اختیارم گذارده اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

امید میرود که این خدمت ناچیز مورد استفاده دوستان و دوستانان مفاخر ملی ایران کهن واقع گردد و در سایه عنایت باری تعالی توفیق خدمت بآثار تاریخی میهن عزیز را بقدر امکان تحصیل نماید.

محمد تقی - مصطفوی

رئیس باستانشناسی

نام شاهزادگان هخامنشی و سالهای سلطنت ایشان
بازگرمی قسمتهائی از آثار تخت جمشید که بهر کدام از شهریاران
مربوط ارتباط دارد

نام	سال سلطنت	آثار مربوط یا منسوب باو
کوروش اول	۵۵۸-۵۲۸ پیش از میلاد	
کامبیز پسر کوروش	۵۲۸-۵۲۲ « « «	
کنومات مغ غاصب	۵۲۲-۵۲۱ « « «	

تا اینجا ارتباطی با آثار تخت جمشید پیدا نمیکنند

داربوش کبیر فرزند وشتاسب	۵۲۱-۴۸۶ پیش از میلاد	صفه تخت جمشید - پلکان بزرگ و رودی کاخ آپادانا تجر - کاخ جنوبی و اندرون قسمت خزانه
خشایارشاى اول فرزند داربوش	۴۸۶-۴۶۵ « « «	دروازه ورودی - کاخ آپادانا کاخ صدستون - کاخ مرکزی هدیش - کاخ جنوبی و اندرون
اردشیر اول فرزند خشایارشا	۴۶۵-۴۲۴ « « «	کاخ صدستون
خشایارشاى دوم فرزند اردشیر اول	۴۲۴ « « «	فقط سه ماه سلطنت کرده حتی دخمه معینی نیز ندارد
داربوش دوم فرزند اردشیر اول	۴۲۴-۴۰۴ « « «	؟
کوروش دوم فرزند داربوش دوم	۴۰۱ « « «	فقط در آسبای صغیر و سوریه حکومت کرده است
اردشیر دوم فرزند داربوش دوم	۴۰۴-۳۵۸ « « «	دخمه شمالی تخت جمشید ؟
اردشیر سوم فرزند اردشیر دوم	۳۵۸-۳۳۷ « « «	پلکان غربی - آثاری مبهم مغرب هدیش - دخمه جنوبی تخت جمشید ؟
آرژش * فرزند اردشیر سوم	۳۳۷-۳۳۶ « « «	-
داربوش سوم معروف به مکد * من نواده داربوش دوم	۳۳۶-۳۳۱ « « «	دخمه ناتمام در کوهستان جنوبی تخت جمشید ؟

ستون سال سلطنت در این صفحه با مساعدت همکار دانشمند سرکار خانم ملکزاده بیانی
 موزه دار بخش سکه در موزه ایران باستان تنظیم و از نشریه شماره ۹ فرانسه آزاد در ایران مورخ
 مارس ۱۹۴۳ که صورت کامل شهریاران ایران توسط آقاسی گدار تهیه و در آن درج گشته نیز
 استفاده شده است .

فهرست مطالب و شماره صفحات آغاز هر مطلب

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۳۰	کاخ جنوبی و اندرون	۳	صفه بزرگ و پلکان ورودی
۳۴	قسمت معروف به خزانه	۳	دروازه ورودی
۳۸	مجرای زیرزمینی	۴	کاخ آپادانا
۳۸	چاه سنگی		شرح نقوش ملل تابعه بر روی
	دخمه ها یا آرامگاههای	۶	پلکان آپادانا
۳۹	شاهنشاهان هخامنشی	۹	الواح زروسیم
۴۱	برج و باروی خشتی	۱۰	کاخ صد ستون
۴۲	آثار مجاور و پائین صفه	۱۶	کاخ مرکزی (سهدروازه)
	ذیل کتاب مشتمل بر ترجمه	۱۹	بنای جنوب کاخ آپادانا
۴۶	مهمترین کتیبه ها	۲۰	کاخ تچر (تالار آئینه)
۵۱	تصحیح و توضیح	۲۷	کاخ کوچک خشایارشا (هدش)

شرح اجمالی
آثار تخت جمشید

صفه بزرگ تخت جمشید و پلکان اصلی ورودی

صفه بلند و وسیعی که بنام تخت جمشید خوانده میشود در اصل تپه سنگی متصل بکوهستان رحمت بوده که اطراف آنرا بریده بانصب سنگهای جسیم، دیواری مضرّس ترتیب داده اند. (ش ۱) ارتفاع این صفه از کف جلگه متفاوت بوده حداقل ارتفاع آن هشت متر است و بلندترین نقطه آن قریب بیست متر از کف جلگه ارتفاع دارد. طول این صفه در حدود ۴۵۰ متر و عرض آن در حدود ۳۰۰ متر است و بر روی تخته سنگ بسیار بزرگی بر قسمت وسط لبه جنوبی صفه مزبور داریوش کبیر کتیبه بزرگی احداث نموده که حکایت از احداث صفه بامر و در زمان این شاهنشاه عظیم الشان میکند (۱)

برای بالا رفتن به صفه، تنها یک راه ایجاد نموده بودند که عبارت از پلکان دو طرفه بسیار بزرگی شامل صدوده پله از هر طرف میباشد و شخصی که وارد تخت جمشید میشود از طرفین شمال یا جنوب بالا رفته پس از صعود ۶۲ پله، در جهت مخالف حرکت نموده ۴۸ پله دیگر را طی میکند و در بالای پلکان بزرگ مقابل مدخل اصلی یا دروازه ورودی کاخهای تخت جمشید قرار میگیرد.

دروازه ورودی کاخهای تخت جمشید

همینکه از پلکان های اصلی بالا روند، به بنای ورودی تخت جمشید میرسند. این بنا ساختمان بسیار متناسب و شیوائی بوده که چهار ستون

(۱) به قسمت ذیل در بیان کتاب مراجعه شود.

سنگی وسه دروازه بزرگ دارد، (ش ۲) دروازه غربی آن روبه پلکان بزرگ ورودی قرار گرفته شکل گاوهای بسیار سترک بر آن نقش نموده اند و قسمت سر گاوها از میان رفته است. دروازه شرقی آن هم دارای شکل گاوهای بالدار با سرانسان بوده (ش ۳) از آنجا روبه مشرق، بطرف حیاط کاخ صدستون میرفته اند (۱) دروازه سوم در طرف جنوب این بنا واقع گشته بخلاف دو دروازه دیگر دارای دیوارهای سنگی نیست بلکه تنها قسمت پائین آن از سنگ ساخته شده بقیه آن خشتی بوده است و اکنون آستانه سنگی آن پدیدار و باقی می باشد. از این دروازه بحیاطی داخل میشدند که عبارت از حیاط شمالی کاخ آپادانا است.

تزدیک این دروازه، تخته سنگ بزرگی در کف حیاط شمالی کاخ آپادانا قرار دارد که بعضی دانشمندان آنرا حوض آب برای دست ورو شوئی کسانی که باید حضور شاهنشاه بار یابند، یا آبشخور اسبان در مواقع سلام و روزهای عید دانسته برخی دیگر آنرا محل آتش جهت مراسم مذهبی در این گونه مواقع تشخیص داده اند و اکنون که خاکهای آنرا برداشته اند، دیده میشود که ارتفاع آن زیادتر از قامت انسان و برای نصب در محلی از بنا بوده هنوز کار آن ناتمام است و مصرف اصلی آن معلوم نیست و بهر حال اثر جالب توجهی مخصوصاً از لحاظ یکپارچه بودن سنگ آن بشمار میرود. در هر صورت پس از عبور از دروازه مزبور بطرف کاخ بزرگ بار یا آپادانا میرفتند.

کاخ آپادانا

این کاخ همان کاخ عظیمی است که ستونهای بلند و پلکانهای مفصل

(۱) بر بالای هر يك از نقوش گاوهای فوق الذکر کتیبه ای بخطوط میخی به زبان نقر گشته ضمن آن خشایارشا بدین مطالب اشاره مینماید که این دروازه را برای مردم همه کشورها درپارسه ساخته است. ترجمه این کتیبه در قسمت ذیل کتاب نقل گردیده است.

آن مهمترین آثار موجود تخت جمشید بشمار میرود.
کاخ مزبور از طرف شمال و مشرق به حیاط وسیعی مشرف بوده در هر يك
از آن دو سمت ، پلکانهای مفصلی داشته است .

پلکان شمالی چون از قدیم الایام بیرون از خاک بوده ، خرابی و آسیب
زیاد بآن وارد آمده است و پلکان شرقی چون طی قرون متمادی خاک آنرا
فرا گرفته سالمتر و بهتر باقی مانده است . (ش ۴ و ۵)

در هر دو پلکان سراسر يك بدنه صف افسران و سربازان و مراسم
مربوط بسلام ارتش شاهنشاهان هخامنشی نموده شده . در ردیف بالا نقش عرابه ها
و اسبهای سلطنتی و کرسی مخصوص شاهنشاه و در دو ردیف پائین ، تصویر
افسران و بزرگان دربار ، يك درمیان یکی پارسی و یکی مدی بنظر میرسد و
در قسمت جلو صورت عده ای از سربازان جاویدان که سربازان خاص شاهنشاه
بوده اند در سه ردیف دیده میشود .

در بدنه وسط پلکان نقش هشت نفر سرباز نیزه دار که با یکی پارسی و
یکی مدی باشد حجاری گردیده است .

در بدنه بزرگ دیگر بیست و سه مجلس ، هر مجلس شامل تصویر
نمایندگان یکی از ملل تابعه ایران بالباس و هیئت مخصوص و هدایائی که
جهت شاهنشاه عرضه میدارند ترتیب داده شده است . دست نفر مقدم هر دسته
از نمایندگان را يك حاجب پارسی یا مدی گرفته برای بار یافتن بحضور
شاهنشاه میبرد و پشت سر وی سایر نمایندگان آن ملت هدایای خود را
میاورند .

وضع نقوش برجسته را در پلکانهای دو ایوان شمالی و شرقی آپادانا
طوری ترتیب داده اند که مانند تمام نقوش برجسته تخت جمشید در يك طرف
جانب راست و در طرف دیگر پهلوی چپ اشخاص بخوبی نمودار باشد و

بدین ترتیب برای علاقه‌مندان بمطالعه وضع لباس ملل مختلف و افسران هخامنشی موضوع‌های بسیار شیرین و دلچسب فراهم می‌باشد .

شرح نقوش برجسته ملل تابع ایران بر بدنه پلکان بزرگ جبهه شرقی آپادانا

چون یکی از جالب‌ترین و دلنشین‌ترین آثار تخت جمشید همین قسمت اخیر، یعنی بیست و سه مجلس شامل تصاویر ملل تابعه ایران در حال عرضه داشت هدایای خود و باریافتن بحضور شاهنشاه هخامنشی می‌باشد، لذا از روی نقوش بدنه بزرگ پلکان شرقی آپادانا، در قسمتی که تصاویر ملل مزبور نموده شده است نظر به سالمتر ماندن آنها ذیلاً بمعرفی هریک از اقوام تابع ایران می‌پردازد :

همانطور که فوقاً اشاره نمود، تصاویر این ملل در بیست و سه مجلس ترتیب داده شده از این بیست و سه مجلس، هفت مجلس در ردیف بالا قرار دارد: مجلس اول نمایندگان مدیان؛ مجلس دوم نمایندگان خوزیان؛ مجلس سوم پارتیان؛ مجلس چهارم ملتی شبیه به پارتیان، یعنی سغدیان یا باختریان؛ مجلس پنجم مصریان (که نیمه بالای بدنشان ریخته و از میان رفته است)؛ در مجلس ششم و هفتم ظاهراً نمایندگان زرنکا (سیستان کنونی) و خوارزمیان نمودار هستند . (ش ۶)

در ردیف دوم شش ملت نموده شده است؛ ردیف جلوتر، نمایندگان ارامنه با اسب و ظرف گرانبهائی؛ پشت سر آنها بابلیان که گاو کوه‌انداز از جمله هدایای ایشان است؛ پس از آن نمایندگان سیلیسی (؟) در آسیای صغیر که دور آس قوچ ممتاز ضمن هدایای خود می‌آورند و بعد از آن سیکان تیز خود؛ (ش ۷) سپس آشوریان و در آخر سیکان هوم و رک دیده میشوند .

ردیف سوم شامل پنج ملت بوده: ابتدا نمایندگان فنیقیه باظروف گرانها و عرابه عالی؛ سپس مردم کاپا دو کیه (۹) در آسیای صغیر؛ پس از آن نمایندگان یونانیان سارد و بعد مردم هارواتی یعنی اهالی رنج در افغانستان ش (۶) و بالاخره هندیان دیده میشوند. پنج ملت دیگر هم روی دیواره پلکان بر بالای نقش شیر و گاو نموده گشته که به ترتیب از بالا به پایین شامل نمایندگان سکود را یعنی ساکنین تراس و مشرق مقدونیه و سپس تازیان و پس از آن ملتی شبیه آشوریان بوده در منتهی الیه دیواره پله نمایندگان پوتی (سومالی کنونی) و حبشیان که آخرین قوم تابع شاهنشاهی ایران بشمار میرفته داس و زرافه هدیه ایشان میباشد، حجاری شده است (۱) آثار آتش سوزی اسکندر در قسمت جنوبی همین بدنه که نقش ملل تابع ایران بر آن حجاری گشته و همچنین بر روی پله منتهی الیه جنوب آن بخوبی پدیدار است.

توضیح در باره اینکه بیست و سه مجلس فوق از لحاظ مدرک عظمت و قدرت میهن مادر عصر شاهنشاهان هخامنشی تا چه پایه اهمیت دارد در اینجا زائد بنظر میرسد ضمناً طرز لباس و درجه تمدن و صنعت ملل تابع ایران از روی نقوش و هدایای هر کدام معلوم گشته، اطلاعات بی بدلی را در این باره با اختیار علاقه مندان میگذارد و شرح این قسمت در اینجا موجب اطناب مطلب خواهد بود.

بر طرفین بدنه های هر يك از پلکانهای آپادانا کتیبه هائی بخط میخی دیده میشود. در لوحه یک طرف متن پارسی و در لوحه طرف دیگر متنهای

(۱) معرفی ملتهای مزبور شرح فوق در برخی موارد مستند با اظهارات دانشمند فقید پرفسور هر تسفلد است که نگارنده پیش از دوسال در تخت جمشید با او در تماس بوده از اطلاعات ذقیمتش بهره مند میشدم و از طرف دیگر در خدمت جنوبی تخت جمشید نام هر يك از نمایندگان ملل تابعه که تخت شاهی را بر بالای دست گرفته اند بر زین نقش هر کدام نگاشته شده است و اینجانب آنها را از نزدیک بدقت دیده و خوانده ام تا اطلاعات خویش را بقدر امکان در این مورد توأم باطمینان بیشتر بعرض علاقه مندان برسانم.

بابلی و عیلامی است و مضمون آن بطور خلاصه از احداث پلکانها و نقوش روی آنها بفرمان خشایارشا حکایت مینماید. (۱)

نقشه اجمالی کاخ آپادانا بدینقرار بوده که از پلکانهای شمالی و شرقی هر کدام بایوانی بزرگ بالا میرفته اند - هر يك از ایوانهای مزبور دارای دوازده ستون سنگی بلند با ارتفاع ۱۸ متر بوده از ایوان شمالی بوسیله دو آستانه و از ایوان شرقی بوسیله يك آستانه بدرون تالار بزرگ کاخ میرفته اند - این کاخ ایوان سومی هم بطرف مغرب داشته که چشم انداز آن رو بجلگه پهناورم رودشت بوده مانند ایوان شرقی بوسیله يك آستانه بزرگ بتالار مرکزی مربوط میگرددیده است - تالار بزرگ مرکزی کاخ دارای شش ردیف درشش ردیف جمعاً ۳۶ عدد ستون سنگی بزرگ بوده هر ضلع تالار ۶۰/۷۰ متر طول داشته در چهار طرف آن دیوار خشتی که قطر آن بطور متوسط ۵ متر و نیم بوده قرار گرفته تالار مرکزی را از سه ایوان فوق الذکر مشخص مینموده است - بدینقرار کاخ آپادانا عبارت از تالار بزرگی در وسط با ۳۶ ستون و ایوانهایی در شمال و مشرق و مغرب هر کدام دارای ۱۲ ستون بوده بوسیله پلکانهای مفصل و معظمی از جانب شمال و مشرق بحیاط شمالی و شرقی کاخ مربوط میگشته است از طرف جنوب تالار هم دو آستانه در بزرگ پدیدار است که به قسمتهای عقب تالار مربوط میشود - بامختصر دقتی در محل دیوارهای خشتی اطراف تالار محل آبروها و ناودانها ملاحظه میگردد این آبروها بمجرای عظیم زیر زمینی مربوط میشود که بطول چند کیلومتر در زیر صفه تخت جمشید در دل صخره ایجاد گشته محل جریان و خروج فاضل آب کاخهای تخت جمشید بوده است .

(۱) ترجمه کامل متن پارسی این کتیبه ها نیز در قسمت ذیل این کتاب ذکر گردیده است علاقه مندان میتوانند بآن مراجعه فرمایند.

محل کشف الواح زر و سیم در کاخ آپادانا

در هر يك از چهار گوشه تالار مر كزی آپادانا درست زیر زاویه دیوار خشتی اطراف تالار جعبه سنگی حاوی لوحی از زر و لوحی از سیم وجود داشته که بامردار بوش پیش از ساختمان دیوار آنها را نهاده بودند و عدد از این جعبه ها با الواح آنهار در زمانهای قدیم ضمن خاکبرداریها و تجسسهای فراوانی که طی قرون متمادی در آثار تخت جمشید بعمل آورده اند کشف شده و از میان رفته است دو جعبه دیگر که در گوشه های شمال شرقی و جنوب شرقی تالار قرار داشت در شهر یور سال ۱۳۱۲ بوسیله آقای کر فتر معاون و معمار هیئت علمی تخت جمشید کشف گردید و اینك يك جعبه سنگی با يك لوح زر و يك لوح سیم در موزه سلطنتی کاخ مرمر و يك جعبه سنگی و يك لوح زر و يك لوح سیم دیگر در موزه ایران باستان نگهداری میشود - مضمون کتیبه الواح مزبور بدینقرار است :

داریوش ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشور ها ، پسر
ویشناسب هخامنشی ، داریوش شاه گوید اینست کشوری که من
دارم از سگستان آن طرف سفدنا کوشا (حبشه) از هندتا سارد
(شام و بیروت) که آنرا اهورا مزدا بزرگترین خدایان بمن
داده است اهورا مزدا مرا و خاندانم را پاس دارد (حفظ کند)

از این کتیبه بر میآید که ساختمان کاخ آپادانا در زمان داریوش
آغاز گشته تالار مر كزی آن در زمان همان شهر یار ساخته شده قسمتهای
دیگر تا زمان خشایارشا بطول انجامیده است و بهمین سبب کتیبه پلکانهای
بزرگ آن بنام خشایارشا نقر گردیده است .

ستونهای آپادانا در تالار مرکزی و ایوان شمالی شبیه ستونهای عمارت مدخل بوده بر فراز آنها سرستونهایی دارای دوپیکر گاو استوار بوده است و اینک در حیاط شمالی کاخ مزبور یکی از این نوع سرستونها که شکسته و آسیب زیاد دیده است موجود تا حدی چگونگی آنرا مینمایاند - ایوانهای غربی و شرقی تنها دارای سرستونهایی بشکل گاو یا شیر بوده سرستونهای تزئینی دیگری نداشته و نمونه یکی از سرستونهای ایوان شرقی مشتمل بر دوسرپیکر شیر که بواسطه ر که طبیعی سنگ هنگام ساختمان کاخ و ایوان آپادانا از نصب آن خود داری و در کف حیاط به پهلوی خوابانده شده بود در فروردین سال ۱۳۲۱ در گوشه شمال شرقی حیاط آپادانا بدست آمد و آنرا در همان محل از پهلوی بلند کرده بر کف زمین قرار دادند و اکنون همانجا نگهداری میشود. (ش ۸)

آنچه در این مختصر درباره کاخ آپادانا مناسب بود فوقاً ذکر شد اینک بشرح کاخ باردیگر تخت جمشید که بمناسبت دارا بودن صدستون بنام کاخ صد ستون خوانده میشود میپردازیم.

کاخ صد ستون

کاخ صد ستون در مشرق کاخ آپادانا واقع گشته از دیوار خشتی مشرق حیاط کاخ آپادانا کمی پائین تر از محل سرستون شیر سابق الذکر به حیاط بزرگی که در شمال کاخ صد ستون واقع است میروند - در شمال حیاط مزبور بنای نیمه تمامی نظیر مدخل بزرگ تخت جمشید در دست ساختمان بوده که چهارپایه ستون مربع و قطعات ستون و سرستون و جرزهای عظیم الجثه در مراحل مختلف ساختمانی آن نمودار است . همانطور که در توضیحات بنای مدخل اصلی تخت جمشید ذکر نمودیم

دروازه شرقی مدخل بزرگ بوسیله راهرو روبازو گشاده‌ئی به مدخل ناتمام کاخ صد ستون مربوط و متصل میشد و اکنون وضع این راهرو و دیوارهای طرفین و یک ردیف اطاق پشت دیوار آن بخوبی هویدا است و با مختصر دقتی میتوان چگونگی ارتباط مدخل اصلی تخت جمشید را باین نیمه تمام مدخل شمالی و حیاط صد ستون ملاحظه نمود. (ش ۹)

در سمت مشرق حیاط صد ستون درپائین کوه نیز ایوانی دارای هشت ستون در یک ردیف وجود داشته که عقب آن تالاری دارای ۸ ردیف در چهار ردیف جمعاً ۳۲ ستون قرار گرفته بوده است این تالار ظاهراً در روزهای سلام محل قرار گرفتن عرابه‌ها و اسبهای شاهی بوده حیاطها و بناهای چندی هم که قرائن امر میرساند محل نگهداری اسبها و عرابه‌های شاهی بوده در طرف جنوب آن بین تالار صد ستون و کوهستان دردنبال یکدیگر قرار گرفته مربوط و متصل باین تالار که خود از توابع کاخ صد ستون بشمار میرود بوده است (۱)

ایوان و تالار اصلی کاخ صد ستون در جنوب حیاط این کاخ قرار گرفته ایوان آن بطول ۵۶ متر و کسری و عرض بیش از شانزده متر و نیم دارای دور ردیف ستون سنگی هر ردیف شامل هشت عدد ستون بوده در طرفین ایوان دو دیوار سنگی عظیم با پیکر گاوهای بزرگ نظیر گاوهای

(۱) خاکبرداریهای قسمتی از مشرق و تمام قسمت شمالی حیاط آپادانا و کلیه حیاط صد ستون و راهرو و اطاقهای بین بنای مدخل اصلی و مدخل نیمه تمام فوق‌الذکر و همچنین تالار ۳۲ ستون و حیاطها و ساختمانهای مفصل جنوب آن که ارتفاع خاک آن از ۳ تا ۶ متر بود کلیه از سال ۱۳۲۱ شمسی ببعد انجام گرفته در زممره اقداماتی است که بنگاه علمی تخت جمشید تحت تصدی آقای سامی از محل اعتباراتی که وزارت فرهنگ ارسال داشته بعمل آورده است این خاکبرداری در قسمتهای شمال شرقی صدفه تخت جمشید درپائین کوه که منتها الیه ابنیه خشتی تابعه کاخ صد ستون بشمار میرود هنوز هم ادامه دارد و نتیجه تمام این اقدامات بموقع خود در نشریه مخصوص باستان‌شناسی درج و باطالع علاقه‌مندان رسانیده خواهد شد.

مدخل اصلی تخت جمشید وجود داشته است قسمت سرو کردن مجسمه گاوی که متعلق بدیوار غربی ایوان بوده بر روی خاکهای مجاور همان محل استوار و نصب گردیده است و از آثار گیرنده و جالب توجه تخت جمشید بشمار میرود. (ش ۱۰) دو اطاق هم در طرفین همین ایوان وجود داشته محل سر بازان محافظ کاخ بوده است و نقش سر بازان بر درگاه سنگی آنها حجاری گشته است. از این ایوان بوسیله دودروازه بلند و عریض سنگی به تالار بزرگ صد ستون داخل میشوند طول و عرض این تالار ۶۵ متر و نیم در ۶۵ متر و نیم میباشد بر روی هر یک از بدنه های دروازه های مزبور نقوش برجسته پنج ردیف سر بازان پارسی و مدی هر ردیف شامل صورت ده سر باز دیده میشود که پنج نفر در طرف راست و پنج نفر در طرف چپ قرار گرفته اند و بدین قرار هر ده نفر بوسط نگاه میکنند در بالای پنج ردیف نقش سر بازان صورت شاه را حجاری نموده اند که بر او رنک شهریاری نشسته عصائی در دست راست و گلی در دست چپ دارد - رو بروی شاه یکی از بزرگان مد که نزد شهریاران صاحب بزرگترین مقامات از قبیل فرماندهی کل لشکریان یا منصبی مانند نخست وزیری فعلی بوده بحال کرنش و احترام ایستاده است ؛ بین شاه و او دو مجمر یا عود سوزیده میشود - کسی که پشت سر شخص مدی سابق الذکر ایستاده ظرفی دسته دار بدست گرفته مأمور افروختن عود و اسپند یا مواد خوشبوی دیگر در دو مجمر مزبور میباشد پشت صندلی شاهنشاه هم سه نفر قرار دارند نفر اول یکی از مستخدمین شاه است و اسبابی که ظاهراً جهت دفع پشه و مگس بکار میرفته است در دست دارد - نفر دوم حامل سلاح یعنی اسلحه دار مخصوص شاه میباشد که خنجر زرین شاهنشاه را بکمر بسته در دست راست تبر مخصوص شهریار را گرفته تیر و کمان خاص او را در جلد مخصوص آن بر پشت نگاهداشته است نفر سوم یکی از نیزه

داران خاص شهر یاری را نشان میدهد که پهلوی اورنگ شاه ایستاده است رویهمرفته میتوان حجاری بدنه دو دروازه شمالی تالار صد ستون را نموداری از ترتیب صف سلام شاهنشاهان هخامنشی در این تالار دانست که شاه بر اورنگ شهر یاری نشسته سربازان بحال نظم و ترتیب ایستاده در میان صف سربازان که رو بروی هم قرار گرفته اند راه عبور افسران و بزرگان جهت باریافتن بحضور شاه وجود داشته است. (ش ۱۱)

غیر از دو دروازه مزبور هفت پنجره از تالار بایوان شمالی باز می شده دو انتهای دیوار شمالی تالار هم چون باطاقهای جنبین ایوان بر میخورد و احداث پنجره در آن صورت پذیر نبوده است لذا در دو طرف دیوار مزبور باقیچه سنگی قرار داده اند و بدین ترتیب فاصله بین کلیه ده ردیف ستونهای تالار از طرف شمال بدروازه یا پنجره سنگی منتهی میگشته فضای بین ردیف آخری ستونها و دیوارهای شرقی و غربی تالار نیز باقیچه سنگی میرسیده است.

دیوار جنوبی تالار دارای دو دروازه بزرگ نظیر و روی دو دروازه شمالی آن بوده است و بر روی بدنه های آنها تخت شاهنشاه حجاری شده در زیر تخت نقش برجسته ۲۸ نفر نماینده ۲۸ ملت تابع ایران احداث گشته ۱۴ نفر بزرگ بدنه و ۱۴ نفر بر بدنه دیگر دروازه ایستاده تخت را بر بالای دست خود گرفته اند - بر فراز تخت شاهنشاه بر روی صندلی شاهی نشسته خادم مخصوص با اسباب دفع پشه و مگس پشت صندلی وی ایستاده است (ش ۱۲) سایبان بالای تخت که بر اورنگ شهر یار سایه می افکند در روی بدنه های این دو دروازه بزرگتر و بهتر از دروازه های شمالی نمودار بوده نقوش برجسته کوچک شیرو کاو و حاشیه های کل و بالهای تزیینی و منگوله های اطراف سایبان بخوبی نمایان است بر بالای همه اینها شکل فروهر جلوه گری میکند. (ش ۱۳)

باتوجه بنقوش دروازه های شمالی و جنوبی تالار صد ستون بخوبی میتوان دریافت که آنچه از مراسم سلام شاهنشاهان هخامنشی را در کاخ آپادانا بردیواره پلکانهای عظیم آن مجسم ساخته اند در تالار صد ستون که فاقد پلکان بوده بطور اختصار و اشاره بر بدنه دروازه های شمالی و جنوبی آن نموده اند و کاخهای آپادانا و صد ستون هر دو محل انعقاد مراسم سلام عام بوده طی این مراسم شاهنشاه نمایندگان ملتهای تابع ایران را پذیرفته افسران و صف لشکریان را بازدید مینموده است. (۱)

هر يك از دیوارهای شرقی و غربی تالار صد ستون هم مانند دیوارهای شمالی و جنوبی آن دارای دو دروازه سنگی منتها کمی کوچکتر بوده بر روی بدنه دروازه آستانه های شرقی تالار یکجا پیکار شاه با حیوان افسانه شاخ و بالدار که سروتنه و پای شیر و دم عقرب و پنجه عقاب دارد نموده شده بر بدنه آستانه دیگر پیکار شاه با گاو کوهی حجاری گردیده است (ش ۱۴) بر بدنه آستانه های غربی یکجا پیکار شاه با حیوان افسانه که سروبال و دم و پنجه آن شبیه بمرغان شکاری و گردن و بال و تنه و پای آن به شیر میماند نموده شده بر بدنه آستانه دیگر پیکار شاه با شیر را حجاری نموده اند.

بدین ترتیب پیکار شاه با چهار حیوان که نماینده جدال او با مظاهر اهریمن باشد بر چهار آستانه تالار صد ستون نمایانده شده و کاخ صد ستون

(۱) - آقای گدار ضمن سخنرانی خود در سال ۱۳۲۸ راجع به کاخ صد ستون چنین اظهار عقیده نموده اند که باتوجه به شکل سربازان که بر در گاهی های شمالی تالار این کاخ حجاری شده و مانند کاخ آپادانا تصویر افسران بحال نشاط و صحبت در آنجا دیده نمیشود و نظر بوجود نداشتن راه مناسبی بین کاخ صد ستون و آپادانا و از طرفی وجود ساختمانهای محل اسبها و عرابها در مشرق کاخ صد ستون چنین معلوم میشود که این کاخ مخصوص مراسم سلام لشکریان و تنها محل اجرای تشریفات نظامی بوده با رعام با شرکت افسران و نمایندگان ملل تابعه در کاخ پر شکوه آپادانا انجام میگرفته است آقای دکتر گیرشمن دانشمند باستان شناس فرانسوی مانند اغلب باستان شناسان عقیده دارد که کاخ صد ستون در زمان خشایارشا آغاز کشته نقوش برجسته آن که مخصوصاً در دروازه های شمالی و جنوبی تالار در منتهای ظرافت و شیوایی میباشد در زمان اردشیر اول جانشین خشایارشا حجاری شده است

تنها محلی از تخت جمشید است که چهار مظهر اهریمن بشرح بالا در آن حجاری گردیده است در دو بنای دیگر از آثار تخت جمشید یعنی کاخ کوچک داریوش یا تالار آئینه و کاخی که تجدید ساختمان نموده اند و شرح آنها بعداً ذکر خواهد شد پیکار شاه فقط با سه نمونه از مظاهر فوق نموده شده است.

دیوارهای جنوبی و شرقی و غربی تالار صد ستون هر کدام دارای ۹ طاقچه سنگی در سمت تالار بوده پشت آنها اطاقهای باریک و درازی که در اطراف تالارهای بزرگ تخت جمشید معمول بوده قرار داشته است. بطوریکه در ابتدای توضیحات مربوط به کاخ صد ستون ذکر شد در محوطه بین ایوان و تالار مرکزی صد ستون و کوهستان حیاطهای شبیه یکدیگر و اطاقهای مختلفی وجود داشته که تماماً در سالهای اخیر توسط بنگاه علمی تخت جمشید خاکبرداری گردیده قرائن امر بخوبی میسر شدند محل نگهداری اسبان خاصه و عرابه های شاهی بوده از لحاظ تکمیل نقشه آثار معظم تخت جمشید و روشن کردن وضع ساختمانی این آثار اهمیت بخصوص دارد و اکنون نیز خاکبرداری آن در خیابان غربی پای کوهستان و اطاقها و ابنیه تودرتوی گوشه شمال شرقی صفه ادامه دارد (ش ۱۵ و ۱۶) و شرح این قسمت بموقع خود در رساله مربوط به نتایج عملیات چندین ساله بنگاه علمی تخت جمشید بطور جداگانه ذکر گشته توضیح زیاد درباره آن در این راهنما مورد پیدا نمی کند.

آنچه در باره کاخ صد ستون بنظر مناسب می آید بشرح فوق توضیح داده شد و اینک بشرح یکی از کاخهای مهم دیگر تخت جمشید یعنی کاخ مرکزی میپردازیم.

كاخ مر كزى

در جنوب حياط شرقى كاخ آپادانا يعنى حياطيكه بين كاخهاى آپادانا و صد ستون واقع شده است آثار كاخ جالب توجه ديگرى هويدا است كه بمناسبت سه دروازه سنگى آن در كتابهاى باستان شناسان متقدم بنام كاخ سه دروازه خوانده شده و نگارنده از لحاظ موقعيت و وضع آن نسبت بساير كاخهاى تخت جمشيد با توجه به پلكانهاى عظيم و آثار مكشوفه آن كه در نتيجه خاكبرداریهاى سال ۱۳۱۱ خورشيدى پيدا شده است مناسبتر ميداند آنرا كاخ مر كزى تخت جمشيد بخواند .

پيش از خاكبرداریهاى تخت جمشيد تنها آثار سه دروازه سنگى سابق الذكر نمايان بوده چيزى ديگرى از اين كاخ ديده نميشد - در پائيز سال ۱۳۱۱ ضمن عمليات خاكبرداری به پلكان بزرگ دو طرفه زيبائى برخوردند كه راه اصلى ورود بكاخ مزبور بشمار ميرود . (ش ۱۷)

اين پلكان در جنوب حياط شرقى كاخ آپادانا واقع گشته جبهه خارجى آن به نقوش برجسته سربازان نيزمدارپارسى ومدى وهمچنين نقش شير و گاو تزئين يافته سه لوحه مربع مستطيل بمنظور نقرسه كتيبه ميخى مانند ساير پلكانها در آن تعبيه شده است منتها فرصت اتمام كار پلكان و نقر كتيبه هارا نيافته اند روى ديواره هاى جبهه داخلى پلكان يك طرف نقوش برجسته افسران مدى و طرف ديگر نقوش برجسته افسران پارسى بطرزى بسيار ظريف وشيوا حجارى گرديده افسران مزبور را در حال صحبت و نشاط كه كل بدست گرفته و دست بدست هم داده اند نشان ميدهد . (ش ۱۸)

از پلكان مزبور كه بالا بروند بایوان شمالى كاخ مر كزى ميرسند اين ايوان داراى دو ستون سنگى بوده بوسيله يكي از سه دروازه كاخ به تالارى مربوط ميگردد كه داراى چهار ستون سنگى بوده قسمت مر كزى كاخ

را تشکیل میداده است هر سه دروازه سنگی باین تالار مربوط بوده و دروازه شمالی بطوریکه گذشت آنرا بایوان و پلکان شمالی مربوط میساخته است و دروازه شرقی باطاقی میرفته است که فعلاً از میان رفته آثار آن بجا نمانده است، بدنه های این دروازه شامل نقش برجسته منحصر بفردی است که شاهنشاه را بر فراز اورنگ شهر یاری در حالیکه ولیعهد پشت سروی ایستاده و ۲۸ نفر نماینده ۲۸ ملت تابع ایران تخت اورا بالای دست نگاهداشته اند، نشان میدهد (ش ۱۹) دروازه جنوبی که يك بدنه آن فقط باقی مانده بایوان جنوبی (نظیر و قرینه ایوان شمالی) و حیاط کوچکی میرسیده است.

روبروی دروازه جنوبی در طرف دیگر حیاط مزبور، پلکان بسیار کوچک و ظریفی وجود داشت که تخته سنگ زیرین و آستانه سنگی بالای آن اکنون در محل خود باقی بوده خود پلکان را در سال ۱۳۱۷ برای حفظ از آسیب باران و آفتاب و غیره و در عین حال ارائه نمونه از حجارهای ظریف تخت جمشید بموزه ایران باستان انتقال داده در غرفه آثار هخامنشی موزه مزبور بمعرض نمایش گذارده اند.

در مغرب همین حیاط ایوان دیگری با دو ستون سنگی کوچکتر وجود داشته که سرستون آنها بشکل شیر بود و قسمتهائی از ستونهای مزبور کشف شد لکن چون در محل خود محفوظ نبود قسمتی بموزه تخت جمشید و قسمتی هم در سال ۱۳۱۷ بغرفه هخامنشی موزه ایران باستان انتقال یافت.

چون از انتقال پلکان کوچک و قطعات ستون کوچک کاخ مرکزی بموزه ایران باستان صحبت بمیان آمد بيمورد نمیداند ذکر نماید که نیمه یکی از سرستونهای ایوان جنوبی همین کاخ نیز که تنها نمونه نسبتاً بهتر و سالمتر از سرستونهای دارای صورت انسان و بدنه گاو بالدار بود در تابستان

سال ۱۳۱۱ درون حیاط جنوبی این کاخ کشف شد و در سال ۱۳۱۷ همراه آثار دیگری که از تخت جمشید برای موزه ایران باستان انتخاب گردیده بود بموزه مزبور منتقل گشت و اینک در عین حال که مشتاقان دیدار نمونه‌هایی از آثار با عظمت و شاهکارهای هنری تخت جمشید در موزه ایران باستان آنها را بسهولت می‌بینند دور از گزند باد و آفتاب و سایر عوامل طبیعی بنحوی محفوظ و مطمئن نگهداری میشود. (ش ۲۰)

جانب شرقی کاخ مرکزی بواسطه اختلاف سطح زیادی که با بناهای عقب آن داشته بکلی فرو ریخته و از میان رفته است ولی آنچه بنظر نگارنده میتوان استنباط نمود اینست که در حیاط جنوبی این کاخ روبروی ایوان غربی ایوان دیگری هم در سمت مشرق قرار داشته که شالوده دو ستون سنگی کوچک آن باقی است. اجمالاً باید گفت که کاخ مرکزی از شمال بحیاط شرقی کاخ آپادانا و از مغرب بوسیله اطاقها و راهروها بحیاط و ابنیه جنوبی کاخ آپادانا و از جنوب باطاقها و راهروهای چند که اخیراً آثاری از آنها کشف شده است و شرح آنها خواهد آمد و از جانب مشرق بوسیله پلکانهای خشتی باطاقها و ابنیه تابعه کاخ جنوبی که شرح آن نیز بموقع خواهد آمد، مربوط میگشته است بنابر این کاخ مزبور هم به کاخهای رسمی و بزرگ که در قسمت شمال صفا واقع گردیده مربوط بوده و هم با کاخهای کوچک و ابنیه خشتی مختلف که در جنوب و جنوب شرقی صفا واقع بوده ارتباط داشته است و آنچه از نقوش برجسته آن معلوم میشود نظر دانشمند فقید پرفسور هر تسفلد مبنی بر اینکه در این کاخ مراسم سلام خاص انعقاد می‌یافته تأیید میشود بدین معنی که در کاخهای آپادانا و صدستون سلام عام با حضور و شرکت نمایندگان تمام ملتهای تابعه ایران بر گذار میشده پس از انجام سلام عام افسران پارسی و

مدی که نسبت بسایر ملل مقرب تر و دارای منزلتی بیشتر نزد شاهنشاه بوده اند در کاخ مرکزی بوضعی صمیمانه و بانشاط تر بار یافته مراسم شادمانی عید را بر گذار مینموده اند.

اینک بشرح کاخ مرکزی خاتمه داده از راهرو ها و اطاقهای غربی آن گذشته بذکر آنچه در مغرب این کاخ و جنوب کاخ آپادانا واقع است می پردازیم.

بنای جنوبی کاخ آپادانا

چون از کاخ مرکزی بطرف مغرب یعنی به سمت آثاری که در جنوب آپادانا واقع میباشد بروند، در یکطرف بقایای دیوارها و اطاقهایی که از متفرعات کاخ آپادانا بوده است مشاهده میشود و در طرف دیگر تپه سنگی فروریخته ای بنظر میرسد که ازاره سنگی پائین دیوار آن نمودار است. از این تپه سنگی و آثاری که در دل آن نهفته است تا قبل از تابستان ۱۳۲۹ جز توده ای از شن چیزی نمودار نبود و عموماً تصور میرفت که در عصر هخامنشی سکویی مرتفع بوده است و بعقیده دانشمند فقید پرفسور هر تسفلد برفراز این سکوی مصنوعی با احتمال قوی محل معبد کاخهای تخت جمشید قرار داشته است و با وجود خاکبرداریهای فراوانی که از طرف هیئت اعزامی دانشگاه شیکاگو در نقاط مختلف این تپه بعمل آمد چیزی مفهوم نشد

در تابستان ۱۳۲۹ همکار محترم آقای جواد زاکانالی که از چندی قبل بدستور وزارت فرهنگ دست بکار تهیه نمونه کوچک آثار تخت جمشید شده است ضمن تحقیقات و تجسسات و نقشه برداری دقیقی که در تپه شنی مزبور انجام میداد بوسیله کارکنان بنگاه علمی تخت جمشید در زیر توده

سنگ خرده‌ها بقایای دیوار خشتی و ابنیه قدیم را کشف نمود که میرسانید این محل در دوره هخامنشی و ادوار بعدی دست خوردگی پیدا کرده و از صورت اصلی خارج شده است و پلکان کوچکی که در گوشه شمال غربی آن هویدا است و دهانه مجرای آب که با نصب سه قطعه سنگ در فراز تپه تعبیه نموده‌اند از همین گونه تغییرات می‌باشد.

بنابقاضای نکارنده، آقای زاکانالی نقشه ای جداگانه از این قسمت که تازگی دارد با نقشه کاخ کوچک خشایارشا که در جنوب این آثار و متصل بآنست و شرح آن خواهد آمد ترسیم نموده در اختیارم گذاردند و وظیفه خود میدانم از این همکاری ذیقیمت ایشان صمیمانه تشکر نمایم و همچنین از کشف مجهولی که برای آشنایان با آثار معظم تخت جمشید همیشه صورت رمزی راییدا کرده بود به ایشان و به بنگاه علمی تخت جمشید تهنیت عرض کنم.

در ضمن شرح کاخ کوچک خشایارشا که چند صفحه بعد از نظر خوانندگان گرامی میگذرد به نقشه مورد ذکر اشاره خواهد شد و عجلتاً باید دانست که هنوز وضع آثار زیر تپه شنی در مرحله تحقیق و تکمیل بررسی بوده بیش از این اظهار مطلبی در باره آن در این راهنما مورد ندارد و به همین لحاظ بشرح آثار کاخ کوچک داریوش که در مغرب تپه مزبور واقع است میپردازیم.

کاخ کوچک داریوش (تچر) یا تالار آئینه

در مغرب تل فوق الذکر پایه ها و در گاهها و طاقچه ها و پنجره های سنگی متعددی نمودار است که تمام آنها از سنگهای تیره رنگ و محکم بوده نسبت بسایر آثار تخت جمشید بهتر و سالمتر مانده است.

این آثار بقایای کاخ کوچک داریوش است که در کتیبه های میخی بنام تچ-ر خوانده شده بواسطه شفافى مخصوص بعضى سنگهای آن به تالار آئینه معروف گردیده است .

روی صخره طبیعی کوهستان سکوئی که در حدود دو متر و نیم از کف زمین آپادانا بلندتر است از تخته سنگهای جسیم و منظم ترتیب داده بر فراز آن کاخ کوچک داریوش را ساخته اند . نمای اصلی و مدخل بزرگ این کاخ روبه جنوب بوده پشت آن به آيا دانا است (ش ۲۱) و پلکان و مدخل فرعی دیگری از طرف مغرب یعنی از جانب جلگه دارد .

کاخ مزبور مشتمل بر ایوانی بزرگ در سمت جنوب است که همان مدخل بنا باشد و تالاری در عقب ایوان و اطاقهای کوچک و بزرگ در جوانب تالار و ایوان واقع میباشد .

بوسیله پلکانهایی که در دو گوشه ایوان کاخ قرار دارد بایوان میرسند . این ایوان دارای دوردیف «رردیف چهارستون» (۱) با پایه های مربع سنگی بوده است . دو پایه سنگی بلند در جانبین ایوان استوار بوده که یکی از آنها در محل خود پایدار و دیگری از کمر شکسته و بحیاط مقابل کاخ افتاده است . کتیبه میخی بزبانهای فارسی قدیم و بابلی و عیلامی بر بالای این دو پایه نقر گردیده از احداث کاخ بفرمان داریوش و تکمیل آن بامر خشایارشا حکایت مینماید - در هر يك از دو طرف ایوان يك طاقچه

(۱) راجع به ستونهای کاخهای کوچک تخت جمشید تقریباً عقیده کلی بر اینست که چوبی بوده است نگارنده بدون انکار این عقیده توجه خوانندگان محترم را بر این قسمت جلب مینماید که قطعات ستون و سرستونهای کوچک سنگی در نقاط مختلف تخت جمشید بدست آمده ولی تعداد آنها محدود میباشد و صورت استثنائی دارد بنابر این اظهار عقیده قطعی که آیا تمام ستونهای کوچک هم سنگی بوده یا بعضی از آنها چوبی و بعضی دیگر سنگی بوده است نمیتوان نمود .

سنگی و يك آستانه سنگی دیده میشود. بر بالا و طرفین طاقچه های سنگی و همچنین بر بالای تمام پنجره های سنگی کاخ مزبور يك سطر کتیبه میخی بزبانهای فارسی قدیم و بابلی و عیلامی نقر گشته که در آنها اشاره بساختمان این آثار سنگی در خانه داریوش شده است. برد و آستانه سنگی طرفین ایوان مانند نظائر آنها در کاخهای دیگر نقش برجسته دو سرباز نیزه دار شاهی را حجاری کرده اند که نفر جلو سپر بلندی هم دارد این آستانه ها باطاقهای جنب ایوان که مقعر سربازان نگهبان کاخ بوده مربوط میگشته است. ایوان و طالار کاخ بوسیله يك درگاه بزرگ و چهار پنجره سنگی بایکدیگر مربوط میشود. روی بدنه های این درگاه نقش برجسته شاهنشاه دیده میشود که از کاخ بیرون میرود و دو نفر خادم پشت سراو روانند یکی از ایشان چتر بر بالای سرش ریخته دیگری حوله و اسباب دفع حشرات در دست دارد.

نام تچر در کتیبه های میخی بالای همین درگاه ذکر گشته از احداث آن بفرمان داریوش صحبت میدارد. برای توضیح کلمه تچر عین نظر دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد که در رساله اطلال شهر پارسه نوشته شده و دانشمند محترم آقای مجتبی مینوی ترجمه نموده اند در اینجا نقل میگردد:

«این کلمه» «تجر» یا «طرز» در زبان فرس جدید که اصلاً بمعنی «قصر زمستانی» است. فی الحقیقه در میان تمامی ابنیه صفه تنها این بناست که رو بجنوب است و این کیفیت در چنین آب و هوایی خیلی پر معنی است» (نقل از صفحه ۱۳ متن فارسی رساله فوق الذکر)

روی لباس شاه در این درگاهی يك طرف نام داریوش بوده که حك

شده و از میان رفته است و طرف دیگر گوشه از حروف که نام خشایارشا را دربر دارد پدیدار است و این قسمت می‌رساند که درست هنگام احداث نقوش همین درگاه داریوش فوت نموده خشایارشا جانشین وی گردیده است و تصویری که در بالا و روبرو بنام داریوش معرفی گشته نام خشایارشا را بدان داده اند و چنین نکته‌ای در محلهای دیگر تخت جمشید وجود ندارد.

داخل تالار بموازات ایوان سه ردیف هر ردیف شامل چهار ستون قرار داشته که مانند ستونهای ایوان اثری از ته ستون چهار گوش یا بدنه مدور آنها برجا نمانده است. در شمال تالار و جوانب شرقی و غربی آن اطاقهای تابعه کاخ قرار داشته بر بدنه در گاههای شمالی تصویر شاهنشاه در حالیکه وارد تالار میشود و یکی از خادمین پشت سروی حوله و اسباب دفع پشه و مگس بدست گرفته است ملاحظه میگردد. خادم دیگر دستهارا رویهم بحال احترام گذارده و این همانست که هنگام خروج شاه از کاخ چترشاهی را بالای سر شاهنشاه میگیرد. روی نقوش شاه در این دو آستانه سوراخهایی است که محل نصب کردن بندو دست بندزر و کوه‌های کلاه بوده و بدین قرار تصویر شاهنشاه بهمان تزییناتی که همراه داشته جواهر نشان میشده است محل نقش محاسن شهریار که از سنک نفیس یکپارچه بوده نیز نمودار میباشد (ش ۲۲). با دقت بیشتر بر پائین لباس داریوش نقوش ردیف شیرهای کوچکی هم ملاحظه میگردد که حاکی از نقاشی و رنگ آمیزی روی نقوش برجسته بوده و این نقوش حاشیه زرین روی لباس داریوش را مینمایانده است (۱)

(۱) آثار رنگ آمیزی و نقاشی در چند قسمت از نقوش برجسته تخت جمشید دیده شده است از جمله ضمن خاکبرداریهای سال ۱۳۱۱ بر روی پاوکفش و لباس شاه و دو نفر مستخدم بر بدنه دروازه شمالی کاخ مرکزی رنگهای ارغوانی و آبی بخوبی نمودار شد و پس از چند سال بتدریج محو گردید و هنوز هم ذرات کوچک آن پدیدار است و همچنین بر دروازه های جنوبی تالار سدستون آثار رنگ ارغوانی و سبز موجود بوده با دقت بیشتر میتوان آنها را مشاهده نمود.

بر بدنه آستانه‌های سنگی دیگر کاخ تچر پیکار شاه با شیر و گاو و حیوان افسانه‌ای و همچنین خادمین با چراغ و عطردان و حوله و ظرف آب نموده شده مانند سایر ابنیه و کاخهای تخت جمشید از روی نقش برجسته هر محل چگونگی استفاده از آن مکان معلوم میگردد. در درگاههای کوچک اطاقهای شرقی و غربی نقش برجسته شاه در حالیکه خنجر بدست راست گرفته با دست چپ شیری را خفه میکند دیده میشود و این نقش منحصر آرد تچر مشاهده میگردد.

پلکان غربی این کاخ دارای نقوش برجسته چندی از ملل تابعه در حال عرضه هدایای خود بوده کتیبه میخی آن بنام اردشیر سوم میباشد و بهمین جهت دانشمند فقید پرفسور هر تسفلد و عموم باستان شناسان دیگر اظهار عقیده کرده اند که این پلکان را اردشیر سوم به تچر الحاق نموده مدخل جدیدی بر کاخ مزبور افزوده است ولی آقای جواد زاکاتالی در این مورد هم ضمن تحقیقات بسیار دقیقی که برای نقشه برداری و تهیه نمونه کوچک این آثار مینمودند مخصوصاً در تچر اطلاعات تازه و فراوانی بدست آورده اند که حکایت از تغییر وضع اطاقهای شمالی آن بعد از داریوش مینماید و ضمناً معلوم داشته‌اند که پلکان و مدخل غربی تچر از ابتدای ساختمان این کاخ پیش بینی گردیده منتها انجام نشده بود و چون در زمان اردشیر سوم پایان یافته کتیبه آن بنام این شهریار نقر گشته است و شاید نقشه پله مورد نظر هم با آنچه در زمان اردشیر سوم ساخته اند اختلاف داشته است.

در پایان توضیحات مربوط به تالار آئینه ذکر این قسمت را هم لازم میدانم که بر اثر خوبی و استحکام سنگهای این بنادرادوار قدیم یادگار و

نوشته های فراوان بر آن مرقوم داشته‌اند که بسیاری از آنها اهمیت تاریخی دارد و در تمام این نوشته‌ها به تنهایی خود موضوع رساله جداگانه تواند بود که با توجه به تاریخ هر کدام توضیحات کافی درباره اشخاص و وقایع مذکور در آنها داده شود عجالتاً برای نمونه دومتن ذیل را نقل مینماید :

۱ - بر بدنه شرقی در گاه سنگی بین ایوان و تالار سمت ایوان این کتیبه در ۸ سطر کوتاه بخط کوفی نقر گردیده است :

بسم الله حضرة الأمير الجليل عضد الدولة فنا خسرو بن الحسن
سنة أربع و أربعين و ثلثمائة في منصرفه مظفرآ من فتح اصبهان
و أسرة ابن ماكان و كسرة جيش خراسان و أحضر من قرأ مافي
هذه الأثر من الكتابة

دو کتیبه دیگر هم بخط کوفی نزدیک کتیبه فوق موجود است یکی بهمین تاریخ و بنام عضد الدوله که نام علمی بن السری الکاتب الکری خواننده کتیبه های تخت جمشید در محضر عضد الدوله را در بر دارد و دیگری بنام ابو نصر بن عضد الدوله که باقشون عظیم خود در تاریخ ۳۹۲ هجری قمری بتخت جمشید آمده است.

۲ - بر بدنه داخلی اولین پنجره بین ایوان و تالار تپرا از طرف مشرق کتیبه زیر بخط نسخ در ۶ سطر نقر گشته است :

حضر شاهان شاه المعظم ملك الملوك محیی دین و غیاث
عباد الله و قسیم خلیفه الله ابو کائنجان بن سلطان الدوله معز امیر المؤمنین
اطال الله بقاء هذا المكان روز بهمن من ماه ابان سنة ثمان و ثلثین و
اربع مائه متوجهاً بالطالع الاسعد الی کرمان و کان حضره فی سنة
ثمان عشرة و اربع مائه و هی سنة الفتح بفاروق

فاروق نام آبادی بزرگی در سه فرسخی تخت جمشید نزدیک جاذه

اصفهان می باشد، دو سال تاریخ فوق عیناً همانطور که در اصل کتیبه ذکر شده نقل گردیده است، پوشیده نماند که کتیبه بالا برای تاریخ خط نسخ نیز واجدا همیت مخصوص میباشد - مهمترین نوشته های دیگر که نقل آنها بشرح سابق الذکر در این راهنما مورد ندارد شامل دو کتیبه بزبان پهلوی که در زمان شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ میلادی) نگاشته شده و کتیبه های عربی و فارسی متعلق بسلاطین و امرا و بزرگان و رهگذران دیگر در قرون مختلف هجری خصوصاً قرن هفتم تا یازدهم بوده، عموماً از عبور و توقف این اشخاص در تخت جمشید حکایت مینماید و مشتمل بر اشعار و عبارات مختلفی حاکی از تأثیر اطلال آنجا در ایشان میباشد و آخرین آنها که قابل ذکر است دو کتیبه بنام فرهاد میرزا و پسران او است که مورخ بسال ۱۲۹۴ و ۱۲۹۵ بوده از خاکبرداری مفصل در آثار معظم تخت جمشید صحبت میدارد.

کاخ تچر از سمت جنوب دارای حیاط وسیعی است که ایوان بزرگ کاخ نیز مشرف باین حیاط میباشد، دیوار سنگی پائین این ایوان دارای نقوش برجسته سربازان و پیکار شیر و گاو بوده کتیبه ای بنام خشایارشا در سه لوحه فارسی قدیم و بابلی و عیلامی بر آن نقر گردیده است.

طرف مشرق حیاط مزبور پلکانی دو طرفه قرار دارد که از آن بحیاط کاخ کوچک خشایارشا (هدیش) بالا میروند و کتیبه آنها هم بنام همین شهریار میباشد، در جانب جنوب حیاط تچر نیز مانند ضلع شمالی آن نقوش برجسته سربازان و پیکار شیر و گاو و سه لوحه کتیبه میخی دیده میشود منتها کتیبه های ضلع جنوبی هر سه لوحه بزبان فارسی قدیم و بنام اردشیر سوم است.

علاوه بر نقوش برجسته مزبور قطعات دیگر نقوش که ملل تابعه را در حال عرضه هدایای خود نشان میدهد در منتها الیه این دیوار و بطور پراکنده نزدیک دیوار و داخل حیاط دیده میشود و قطعاتی از آنها هم در موزه تخت

جمشید گذارده شده است، کلیه این آثار و تمام نقوش برجسته دیوار مورد بحث از محل دیگر منتقل گشته و با احتمال قوی از بدنه جنوبی تپه جنوب آپادانا که سابقاً شرح داده ایم باید بآنجا آورده شده باشد (۱) ساختمان عقب دیوار فوق الذکر هم مبهم و ناتمام بوده بحث و توضیح زیاد درباره آن در این راهنما مورد پیدا نمیکند.

کاخ کوچک خشایارشا (هدش)

از پلکان شرقی حیاط تچر که بالا بروند به محوطه نسبتاً کوچکی میرسند که تپه شنی سابق الذکر یعنی تل جنوبی کاخ آپادانا و آثار نهفته در آن در سمت شمال و طرف چپ واقع گشته پایه ها و در گاهها و پنجره های سنگی هم در جنوب یعنی طرف راست محوطه مزبور پدیدار است - این آثار بقایای کاخ کوچک خشایارشا است که در کتیبه های آن بنام عمومی هدش یعنی نشیمن و کوشک (بگفته دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد) خوانده شده است.

کاخ مزبور بر بلندترین محل صفا تخت جمشید بر فراز صخره طبیعی کوهستان بنا گردیده نقشه و موقعیت آن از تمام بناهای تخت جمشید شیواتر و ممتازتر است، ایوانی در جانب شمال دارد که دارای دور دیف هر دیف شش ستون بوده مدخل اصلی این کاخ را تشکیل میداده است، در طرفین ایوان مانند ایوان تچر دو پایه سنگی استوار بوده بالای آن کتیبه ای بزبانهای فارسی قدیم و بابلی و عیلامی نقر گشته از احداث کاخ به فرمان خشایارشا صحبت میدارد، دو آستانه سنگی که تصویر سربازان نیزه دار بر بدنه آنها حجاری

۱- بفرس اینكه قطعات نقوش برجسته فوق از جنوب تپه شنی جنوبی آپادانا هم باین محل نقل شده باشد وجود این نقوش و پلکان مربوط بآنها در محل قبلی یعنی جنوب تپه مزبور نیز از جمله تغییرات مختلف این تپه میباشد كه سابقاً ذكر نموده ایم.

گشته در دو طرف ایوان دیده میشود ، بین پایه و آستانه سنگی نیز در هر طرف ایوان يك پنجره بوده است ، بر بالای این دو آستانه و بر بالای نقوش برجسته شاد در آستانه های دیگر این کاخ و بالای تمام طاقچه ها و پنجره های سنگی از يك یا دو سمت و همچنین بر روی لباس شاه جمعاً ۷۰ بار سه سه زبان فارسی و عیلامی و بابلی یعنی علاوه بر کتیبه مفصل روی دو پایه طرفین ایوان ۱۰ مرتبه نام خشایارشا مذکور افتاده و ترجمه کتیبه ای که بدین قرار تکرار شده چنین است :

خشایارشا شاه بزرگ شاه شاهان پسر داریوش شاه هخامنشی

از ایوان شمالی بوسیله دو در بتالار مرکزی کاخ داخل میشده اند ، تالار مرکزی دارای ۶ ردیف در ۶ ردیف ستون سنگی جمعاً ۳۶ ستون بوده محل نصب تخته ستونهای آن بر کف تالار که سنگ طبیعی کوهستان است کمی برجسته خود نمائی میکند .

بین تالار و ایوان شمالی علاوه بر دو در گاه پنج عدد پنجره سنگی بوده که سه عدد آنها بین دو در گاه و دو عدد دیگر هر کدام بین یکی از دو در گاه و گوشه ایوان قرار داشته است .

در مشرق و مغرب تالار مرکزی هر طرف يك در گاه و چهار پنجره و دو طاقچه که تماماً سنگی بوده وجود داشته است ، هر يك از این دو در گاه سنگی و دو پنجره طرفین آن به يك اطاق چهار ستونی مربوط میشده در انتهای هر کدام این دو اطاق دو دهلیز یکی در شمال و دیگری در جنوب واقع بوده که بدو یا سه اطاق تابعه کاخ میرفته است ، دو دهلیز شمالی باطاق کوچکی پشت اطاقهای مجاور ایوان شمالی هم ارتباط پیدا میکرده است بر روی بدنه در گاهیهای سنگی تالار مرکزی عموماً نقش برجسته خشایارشا در حالیکه دو نفر از خادمین پشت سروی قرار دارند دیده میشود

که یکی از آنها چتر بر سر شهر یار گرفته و دیگری حوله و اسباب دفع مگس و پشه بدست دارد و در تمام درگاههای مژبور روی لباس و بالای سر شاه و بر قسمت بالای درگاه یعنی در هر درگاه پنج بار به سه زبان نام خشایارشا بشرح سابق الذکر تکرار گردیده است.

ضلع جنوبی تالارمر کزی هُدش به ایوان باریکی که بر بالای صخره کوه ترتیب داده اند و نظیر آن در هیچ کجای تخت جمشید وجود ندارد می رسیده یک درگاه سنگی و ۶ پنجره سنگی این ایوان را به تالارمر کزی کاخ مربوط مینموده است.

از دو طرف ایوان اخیر دو پلکان پائین میرفته و بطرف ابنیه خشتی که در طرف جنوب هُدش واقع و اطاق بانوان حرم بوده سر از بر می شده است؛ در اینجا هم سلیقه و ذوق فراوانی در مربوط ساختن اطاقهای متحدالشکل قسمت جنوبی هُدش که در پائین ترین نقاط صَفّه تخت جمشید واقع بوده با کاخ هُدش که بر بلندترین محل صَفّه استوار گشته است بکار برده اند و اصولاً برای نمونه ذوق و سلیقه معماران عصر هخامنشی میتوان کاخ کوچک خشایارشا یا هُدش را سرمشق خوبی دانست و بهمین مناسبت نقشه این کاخ که توسط همکاران جمند آقای جوادزاکاتالی یکجا با نقشه احتمالی آثار زیر تپه شنی جنوب آپادانا تهیه گردیده است در این رساله بنظر خوانندگان گرامی میرسد. (نقشه شماره ۲)

ما بین کاخ کوچک خشایارشا و بنای نامعلوم مغرب آن معبر باریکی وجود داشته به پلکان سنگی که از هُدش با اطاقهای بانوان حرم سر از بر می شده منتهی میگشته است، در مشرق هُدش هم معبر باریکی بوده که حد فاصل بین هُدش و ساختمانهای واقع در مشرق هُدش بشمار میرفته است و آنهم پلکان آجری قرینه پلکان سنگی فوق الذکر که از گوشه دیگر هُدش به اطاقهای اندرون میرفته منتهی میگردد است.

اکنون از درون کاخ کوچک خشایارشا به محوطه شمالی آن که حیاط و صحن کاخ باشد باز میگردیم؛ طرف روبرو دیوارها و ابنیه است که در زیر تپه شنی کشف شده است. چون بطرف مشرق یعنی سمت راست برویم به شالوده چهارستون میرسیم که در دست ساختمان بوده آنرا بهمین حال باقی گذارده اند، بعد از این شالوده ها پلکان ناقص و ناتمامی است که کتیبه های آن بنام خشایارشا میباشد؛ از پلکان مزبور که پائین روند به محوطه میرسند که طرف چپ آن قسمتی از اطاقها و دالانهای کاخ مرکزی قرار دارد، دست راست تپه کوچک شنی و دیوارهای خشتی مختلف ساختمان موجود در این محل کشف گردیده که وضع آنها درست روشن نیست و بهر صورت ساختمانی هم در این قسمت وجود داشته که فضای بین هدش و کاخ جنوبی را اشغال مینموده است.

در مشرق این محوطه کاخ جنوبی تخت جمشید یعنی همان عمارتی که تجدید ساختمان نموده اند در پائین ترین محل صفاً تخت جمشید واقع گشته برای رسیدن بآن قریب هفت متر اختلاف سطح محوطه مزبور و کاخ نامبرده را پائین رفته به حیاط جلوی کاخ جنوبی میرسند.

کاخ جنوبی تخت جمشید و قسمت اندرون

این کاخ دارای حیاطی است که جلو ایوان اصلی آن واقع گشته طرف شمال حیاط روبروی ایوان مزبور ایوانی دارای چهار ستون قرار دارد پشت ایوان اخیر هم اطاقها و دهلیزهائی است که تا شالوده سنگی گوشه کاخ صد ستون ادامه دارد و چند پلکان سنگی بایک پله بسیار عرض خشتی از گوشه شمال غربی همین اطاقها و دهلیزها از یک سو به حیاط کاخ آپادانا و اطاقهای کاخ صد ستون و از سوی دیگر به کاخ مرکزی میرفته ارتباط قسمتهای مختلف تخت جمشید بوسیله آنها تأمین میگشته است.

قسمت اصلی این کاخ مشتمل بر ایوان و تالاری است که تقریباً نظیر ایوان و تالار کاخ تچر (تالار آئینه) میباشد با این اختلاف که کاخ تچر روبجنوب واقع شده و این کاخ درست برعکس آن روبشمال قرار گرفته است، از طرفی کاخ تچر چون بر فراز صفه سنگی استوار گشته در نتیجه بالا رفتن از پلکانها ایجاد نقوش برجسته متعددی در آن مورد پیدا کرده است لکن این کاخ چون در سطح سفلی تخت جمشید قرار گرفته فاقد پلکانها و نقوش برجسته و کتیبه (۱) میباشد دو جرز سنگی طرفین ایوان و در گاهها و پنجره ها و طاقچه های سنگی آن نیز موجود و در جای خود استوار میباشد و مانند آنچه در کاخ تچر گذشت ایوان کاخ جنوبی هم دارای هشت ستون بوده عقب آن تالار دوازده ستونی قرار دارد و دانشمند فقید پرفسور هر تسفلد در سال ۱۳۰۰ شمسی هنگام شروع بکا کبرداری در تخت جمشید بعوض تجدید ساختمان کاخ تچر که قبلاً اجازه و موافقت دولت شاهنشاهی را در باره آن کسب نموده بود مناسبتر دید کاخ جنوبی را که در کودال واقع شده است به سبک اصلی خود بسازد زیرا تجدید ساختمان آن کمتر به منظره آثار باستانی تخت جمشید لطمه وارد مینمود و با تجدید ساختمان این عمارت همانطور که در گزارش اولیّه دانشمند مزبور بنام اطلال شهرپار سه ذکر گردیده است این مقصود حاصل میشد که هم مسکنی جهت کارکنان تخت جمشید فراهم گردد و هم بموقع خود قطعات نقوش برجسته و آثار پراکنده که نصب آنها در محل اصلی امکان ندارد در این عمارت محفوظ مانده موزه تخت جمشید را تشکیل دهد، اکنون تالار فوق الذکر و طاقچه های اطراف آن بشرح

۱- کاخ جنوبی کتیبه ندارد ولی در سال ۱۳۰۹ در آغاز خاکبرداری و تجدید ساختمان اطاقچه های اندرونی متصل بکاخ مزبور در زاویه جنوب غربی عمارتیکه اکنون تجدید ساختمان شده است لوح سنگی با کتیبه میخی فارسی مفصلی کشف گردید که حکایت از بنابرمان خشیارشا مینماید لوح مزبور اکنون در موزه سلطنتی کاخ مرمر نگهداری میشود .

مزبور محل موزه تخت جمشید بوده آثار مختلف تخت جمشید و اشیائی که درویرانه های استخر و نقاط باستانی دیگر تخت جمشید ضمن موسم های حفاریهای مختلف کشف گردیده است در آنجا نگهداری میشود ، اطاقهای طرف جنوب تالارهم که نقشه و آثار آن مبهم بود بحیاط کوچک داخلی تبدیل شده است .

چون دامنه عملیات خاکبرداری و مطالعات علمی وسیعتر از آن بود که در ابتدای پیش بینی میشد لذا پرفسور هرتسفلد فقید قسمتی از اندرون راهم که در دنباله کاخ جنوبی واقع و شامل ۶ اطاق از اطاقهای بانوان حرم هخامنشی با راهروهای وسط و اطراف آن بود برای سکونت کارکنان و احتیاجات مختلفی که جهت چنین مسکنی ضرورت پیدا میکند در نظر گرفته یکی از اطاقهای اندرون را روی دیوارهای قدیمی و بهمان نقشه اصلی تجدید ساختمان نمود و فضای بقیه اطاقها را پس از نقشه برداری و تحصیل اطلاعات لازم با اطاقهای کوچک و بزرگ و متعلقات مربوط بآنها تبدیل نمود و اینک نصف شمالی عمارتیکه تجدید ساختمان گردیده یعنی تالار وایوان سابق الذکر با اطاقهای اطراف آن محل موزه تخت جمشید بوده نصف جنوبی شامل مسکن کارکنان و قسمتهای تابعه آن و چند اطاق برای توقف و استراحت موقت مسافرین علاقه مند و مردمی که برای زیارت مفاخر معظم تخت جمشید و دیدار آثار باستانی آن می آیند میباشد

بیمورد نیست گفته شود که هر يك از بانوان حرم شهریاران هخامنشی يك اطاق بزرگ چهارستونی و اطاق کوچکی که حکم صندوقخانه و متصل بآن بوده است در اختیار خود داشته اند و محوطه واقع در جنوب کاخ هشد تا برسد به عمارت تجدید ساختمان شده جمعا دارای سیزده عدد از این اطاقهای بزرگ و همان تعداد اطاقهای کوچک متصل بآنها بوده

بوسیله دالانهای موازی هم به پلکانهای دو گوشه کاخ هدش که سابقاً ذکر نموده ایم مربوط گشته بدین ترتیب هم یکدیگر و هم بکاخ هدش راه پیدا میکرده است (۱).

قسمت جنوب کاخ جنوبی نیز به همین ترتیب شامل اطاقهای دیگری از اندرون بوده دالان شمالی جنوبی که فعلاً بهمان حال مجدداً ساخته شده در وسط قرار داشته است و هر طرف این دالان سه اطاق بزرگ با اطاق کوچکی در مجاورت آن واقع بوده است، اطاق پذیرائی فعلی تخت جمشید هم یکی از همان اطاقهای چهارستونی متعلق به یکی از بانوان حرم خشایارشا بوده اطاق کوچک جنب آن نیز که فعلاً آبدارخانه سالن پذیرائی مزبور میباشد صندوقخانه همان بانو بوده است.

در چهار سمت عمارت هم دالانهای برای ارتباط بین اطاقها وجود داشته که با حفظ نقشه اصلی آنها بصورت ایوانهای فعلی درآمده است.

کف این عمارت خواه در دالان وسط و ایوانها و خواه در اطاقهای مختلف توجه اشخاص کنجکاو و علاقه مندر را جلب مینماید زیرا قسمتهایی از آن با کف قرمز مخصوص زمان داریوش پوشیده شده قسمتهای دیگر با کاشی ها و آجرهای نومفروش گشته یا آستانه های سنگی قدیمی قرار گرفته است. علت اینست که در زمان داریوش بجای بنای فعلی ساختمان دیگری وجود داشته که در عهد خشایارشا آنرا بهم زده عمارت دیگری در محل آن ساخته اند و کف عمارت ثانوی در حدود ۲۵ سانتیمتر بالاتر از کف عمارت اولیه بوده است و در سال ۱۳۱۰ هنگامیکه خواستند بنای مزبور را تجدید ساختمان کنند طبق نظریه پرفسور هر تسفلد فکید نقشه بنای

۱- مشاهده این وضع بیننده را بیاد عمارتهای منفرد و مجزای کاخ صاحبقرانیه در نیاوران شیران میاندازد که مخصوص بانوان حرم ساخته شده شماره هر عمارت روی کاشی بالای آن ذکر گشته و هر کدام آنها به يك یا چند نفر از بانوان حرم ناصرالدین شاه اختصاص داشته است.

دوم را اجرا نموده کف بنای اول را که پائین تر بود مبنای فرش عمارت قرار دادند و محل دیوارهای بنای اولیه را با کاشی یا آجر نو نمایانند و بدین ترتیب هر یکننده کنجکاو و مطلع در عین حال هم بنای عهد خشایارشا و هم نقشه بنای قبلی را که متعلق به زمان داریوش بوده است کم و بیش تشخیص میدهد.

فضای باریک واقع در جنوب عمارت اندرون آنچه در منتهای جنوبی عمارت تجدید ساختمان شده واقع گشته فعلاً بصورت باغچه زیبایی درآمده بقیه آن شامل اطاقهای غیر مشخص و فضای مبهمی است که دیوارها و سه ستونهای چندی از آن باقی و نمودار میباشد.

اینک بشرح آخرین قسمت صقه تخت جمشید که فضای وسیع جنوب شرقی این صقه را اشغال نموده و بنام خزانه تخت جمشید خوانده میشود میپردازیم.

قسمت معروف به خزانه تخت جمشید

سراسر مشرق عمارتیکه تجدید ساختمان شده است یعنی محوطه‌ای که حد شرقی آن کوهستان رحمت و حد شمالی آن شالوده سنگی کاخ صدستون بوده طرف مغرب آن عمارت تجدید ساختمان شده و قسمت جنوب آن قسمتی از دیوار سنگی صقه تخت جمشید واقع است پیش از آغاز عملیات خاکبرداری تخت جمشید محوطه صاف و مسطحی بود که اثری از ساختمانهای قدیم در آن دیده نمیشد از سال ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۸ خورشیدی که دکتر اریک اشمیت دانشمند امریکائی از طرف بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو بریاست هیئت علمی تخت جمشید منصوب و مشغول ادامه عملیات خاکبرداری

و تحقیقات علمی در تخت جمشید بود (۱) قسمت اعظم این محوطه وسیع که بطور متوسط بیش از دو متر از خاک انباشته شده بود خاکبرداری و آثار تالارها و حیاطها و اطاقهای متعدد در آنجا نمودار گردید و از آنجا ۱۳۱۸ یبعد هم بنگاه علمی تخت جمشید خاکبرداری قسمت شمال آنرا خاتمه داده تمام دیوارها را بوضع منظم کوتاه و با اندود کاهگل و رخ بام بندی محفوظ ساخت بطوری که اکنون نقشه ابنیه این قسمت بخوبی روشن و هویدا است چهار طرف این محوطه به چهار معبر عریض و روباز محدود بوده مهمترین قسمتهای قابل ذکر ابنیه آن از شمال بجنوب عبارتست از: يك تالار صد ستون که شامل بیست ردیف در پنج ردیف ستون باشد - يك تالار ۹۹ ستون که ستونهای آن ۹ ردیف در ۱۱ ردیف قرار داشته است و يك حیاط داخلی با چهار ایوان که در ایوان شرقی آن پشت بکوه نقش برجسته داریوش

۱ - دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد پس از تهیه مقدمات کار و کسب اجازه از دولت شاهنشاهی از سال ۱۳۰۹ بنماینده کمی و هزینه بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو که ریاست آن با پرفسور جیمس برستد فقید بود خاکبرداری و عملیات علمی وسیع آثار تخت جمشید را آغاز کرد و حقاً از این راه خدمت بسزا و شایسته تحسینی به این مفاخر عظیم منحصر بفرد ایران نمود متأسفانه بعضی اوقات احساسات غیردوستانه نسبت بایران یعنی همان کشوری که ویرانه های کاخهای شهریارانش باعث شهرت جهانی و وسعت مطالعات علمی او بودند نشان میداد و از بعضی تظاهرات توهین آمیز نسبت بملک و دولت ایران خودداری نمیکرد و در سال ۱۳۱۳ هنگامیکه اعلیحضرت پادشاه فعلی سوئد (آن موقع والا حضرت ولیعهد بودند) بایران مسافرت رسمی نمودند و بواسطه علاقه و ذوقی که نسبت به کاوشهای باستانشناسی و آثار تاریخی داشتند به تخت جمشید رفتند فقید نامبرده يك قطعه نقش سرسبز باز کوچک متعلق به پلکان شرقی آيادانا و نقش سریکی از خدمتگزاران متعلق به پلکان کوچک کاخ مرکزی (همان پله که اکنون در موزه ایران باستان نگهداری میشود) را بدون اینکه قبلاً به هیچیک از مأمورین و نمایندگان دولت شاهنشاهی کمترین اظهاری نماید به اعلیحضرت مشارالیه اهداء نمود و این گونه رفتار با سوابقی که قبلاً از دانشمند فقید موجود بود منتهی به خاتمه دادن باقامت او در ایران و معرفی دکتر اريك اشمیت آمریکائی بجانشینی وی گردید و تا پائیز ۱۳۱۸ که بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو کار خود را خاتمه داد آقای دکتر اشمیت بدین سمت باقی بود و از آن یبعد هم بنگاه علمی تخت جمشید زیر نظر اداره کل باستان شناسی مستقیماً عهده دار صیانت آثار تخت جمشید و ادامه خاکبرداری و کشف آثار و ابنیه باستانی و انجام عملیات علمی در آنجا میباشد که خود موضوع نشریه جداگانه است .

وخشایارشا با کسی که صاحب مهمترین مناصب در دستگاه شاهنشاهی هخامنشی است و همچنین خادم مخصوص با اسلحه دار خاص شاهنشاه و نیزه داران بر دیوار نصب بوده است. قسمتی از این نقش برجسته ریخته بود و آنرا در ایوان عمارتیکه تجدید ساختمان شده است گذارده اند و بقیه آن در محل خود باقی بوده سایبانی جهت حفظ آن از گزند باران و باد و آفتاب ساخته شده است (شکل ۲۳). ایوان جنوبی همان حیاط هم دارای نقش برجسته نظیر نقش برجسته فوق ولی سالم و کاملتر بود (شکل ۲۴) و در سال ۱۳۱۷ ضمن نمونه های دیگری که از تخت جمشید جهت موزه ایران باستان انتخاب شد منظور و بتهران حمل گردید.

از این حیاط که بگذریم حیاط دیگری بهمان ترتیب اما بدون نقش برجسته در جنوب آن قرار دارد و دو تالار یکی دارای ۶ ردیف در ۵ ردیف جمعاً سی ستون و تالار دیگری دارای ۴ ردیف در ۵ ردیف جمعاً بیست ستون در یکطرف حیاط اخیر واقع بوده علاوه بر اینها اطاقهای بزرگ و کوچک و راهروهای متعدد در فواصل حیاطها و تالارهای فوق قرار داشته است که وضع آنها بخوبی نمایان میباشد. (به نقشه (۱) مراجعه شود)

علت اینکه ابنیه مزبور را خزانة تخت جمشید خوانده اند اینست که هنگام خاکبرداری آنها مقدار فراوانی ظروف سنگی کار مصر که تمام آنها عملاً شکسته و خرد شده و برخی از آنها کتیبه هائی بنام خشایارشا داشت و همچنین مجسمه مرمری بسیار زیبای يك زن از نمونه های برجسته کاریونان که متأسفانه سر آن شکسته و از میان رفته است و مجسمه مفرغی سه شیر که بهم متصل و ظاهر آبیایه گلدان یا چراغ و امثال آن بوده است و آثار دیگری که جنبه تزئین داشته در حکم اثاثیه تجملی کاخ بشمار میرفت بدست آمد و آقای دکتر اشمیت چنین تشخیص داد که تالارهای صد

ستون و ۹۹ ستون فوق الذکر مانند تالار موزه کاخ گلستان در تهران محل نگهداری نفایس سلطنتی و در واقع محل خزانه شاهنشاهان هخامنشی بوده هنگام چپاول تخت جمشید لشگریان اسکندر آنچه توانسته اند برده اند و بقیه را شکسته و خرد نموده اند و همانست که بشرح فوق کشف گردید و اینک مقدار معدودی از ظروف سنگی که کم و بیش قطعات آنها بدست آمده و تا حدی کامل میباشد با مجسمه مرمر و سه شیر مفرغی مزبور در غرقه هخامنشی موزه ایران باستان نگهداری میشود و قطعات فراوان ظروف دیگر با مقداری از این ظروف هم در موزه تخت جمشید موجود و محفوظ است.

این نظریه آقای دکتر اشمیت شایسته توجه و مورد قبول بوده ضمناً وضع ابنیه خزانه میرساند که تا هنگام پایان یافتن ساختمان ابنیه معظم آپادانا و صد ستون مراسم سلام و بار شاهنشاهان هخامنشی در تالارهای بزرگ قسمت خزانه انجام میگردد است زیرا این تالارها بخلاف کاخهای آپادانا و صد ستون دارای ستونهای عظیم سنگی و آستانه‌های در و پنجره و طاقچه سنگی نبوده ساختمان آنها زودتر پایان می‌یافته است و بهمین جهت کف تمام ابنیه خزانه همان ماده قرمز رنگ مخصوص زمان داریوش میباشد در صورتی که کاخهای آپادانا و صد ستون تا دوران خشایارشا و شاهنشاهان بعدی هنوز کاملاً با تمام نرسیده بود و قسمتهائی از آنها مخصوصاً سردر نیمه تمام حیاط صد ستون بشرحیکه در ابتدای این رساله مذکور افتاد در مراحل اولیه ساختمانی بوده است.

اینک که شرح ابنیه و کاخهای تخت جمشید بپایان میرسد لازم میداند بمجرای زیر زمینی هم اشاره نموده ضمناً آثار مختلفی که مربوط به تخت جمشید بوده در کوهستان رحمت واقع است شرح دهیم.

مجرای زیر زمینی

برای خروج آب باران پشت بامهای وسیع کاخها و سایر احتیاجات ابنیه تخت جمشید مجرای عظیم زیر زمینی بطول چند کیلومتر در صخره طبیعی کوهستان یا بوسیله تخته سنگهای جسیم احداث نموده بودند و آب باران و غیره ازدرون دیوارها بوسیله ناودانهای سفالی به زیر زمین رفته از مجراهای سنگی بزرگی که ارتفاع برخی قسمتهای آن به چند متر میرسد و در قسمت اعظم آن یکنفر بخوبی میتواند ایستاده عبور کند میگذاشته است این مجراها از زیر کاخ آپادانا و ابنیه دیگر رو بمشرق یعنی بطرف کوهستان سرازیر بوده چند رشته هم از ابنیه پای کوه بطرف شمال رفته در زیر قسمت شرقی تالار صد ستون بهم میرسد و بسمت شمال ادامه پیدا میکند و تمام حاذی سردر نیمه تمام شمال حیاط صد ستون خا کبر داری شده بقیه آن باید پس از فراهم شدن موجبات کار خا کبر داری گردد و یحتمل انتهای مجرا به مخزن آب زیر زمینی بزرگی که از لحاظ معماری شایسته توجه مخصوص باشد منتهی گردد.

در کوهستان رحمت

چاه سنگی

در دامنه کوه تقریباً محاذی نقش برجسته حیاط خزانه چاهی چهار گوش و عظیم در سنگ کوه حفر نموده اند که هر ضلع دهانه آن متجاوز از چهار متر بوده تا ۲۵ متر عمق توانستند آنرا لارویی نمایند و بواسطه بر خورد به تخته سنگ بسیار بزرگ و لجن ولای زیاد لارویی بیش از آن میسر نشد.

پهلوی این چاه دیوار سنگ چین قدیمی دیده میشود که احتمالاً میسر ساند

بستانی هم از آب همین چاه در آنجا مشروب میشده است و خانم متوفای د کتر اشمیت در همان محلّ باغچه ترتیب داده بود کدا کنون کم و بیش دائر بوده نگهداری میشود .

دخمه های آرامگاه شاهنشاهان هخامنشی

در کوه رحمت سه دخمه موجود است یکی در طرف شمال محاذی تالار صد ستون ، نمای این دخمه مانند تمام دخمه های شهر یاران هخامنشی مشتمل بر نقش برجسته اورنگک شاهی است که شاهنشاه بالای آن بحال عبادت ایستاده کمانی در دست چپ دارد و دست راست خود را بحال نیایش بلند کرده است رو بروی او آتش مقدس و بالای این صحنه فروهر جلوه گری میکند ، زیر تخت شاه نقش برجسته ۲۸ نفر دیده میشود که در دوردیف هر ردیف ۱۴ نفر ایستاده تخت را بالای دست خود گرفته اند ، هریک از این نقوش نماینده یکی از ملتهای تابع ایران میباشد ، اطراف تخت نقش بزرگان و افسران و سربازان در حال سوگواری و احترام دیده میشود . در پائین نمای چهار ستون باتزیینات بالای ستونها در سنگ کوه تراشیده شده در میان دو ستون وسط مدخل کوتاه دخمه قرار دارد . دخمه دوم گوشه جنوب شرقی صقه تخت جمشید در میان کوه احداث گردیده است و وضع خارجی آن عین دخمه شمالی بوده منتها بواسطه جنس سنگ آن ریزش و خرابی زیاد پیدا کرده است .

داخل دخمه شمالی دو آرامگاه و درون دخمه جنوبی شش آرامگاه در دل سنگ تراشیده اند ، ضمناً در دخمه جنوبی بالای هریک از نقوش ۲۸ نفر سابق الذکر از طرف چپ بر است و ابتداء ردیف بالا و بعد ردیف پائین نام ملت و قوم ایشان بخط سیخی بزبانهای فارسی و عیلامی و بابلی ذکر گشته بدین

ترتیب معرفی شده اند :

ردیف اول

(۱) این پارسی است (۲) این مدی است (۳) این خوزی است (۴) این پارتی است، نوشته بالای سرفرینجم تاهفتم بکلی از میان رفته از نقوش آنهم چیزی نمانده است و تصور میرود اهل سفدو باختر و فنیقیه باشند، از نفر هشتم چند حرف آخر آن باقی بوده حرف می که ظاهراً انتهای نام خوارزمی است تشخیص داده میشود (۹) این اهل زرنکا (سیستان است) (۱۰) این هاروواتی (اهل رُخج یا قسمتی از افغانستان کنونی) است، (۱۱) این ساتاگوشی (از ولایات شرقی) است (۱۲) این کانداری (قسمتی دیگر از افغانستان) است (۱۳) این هند و است. (۱۴) این سکاکی هوم و رکاست.

ردیف دوم

(۱۵) این سکاکی تیزخود است (ملتهای ۱۴ و ۱۵ یعنی سکاها در شمال آسیای میانه و شمال دریای خزر میزیسته اند)، (۱۶) این بابلی است (۱۷) این آشوری است (۱۸) این عرب است (۱۹) این مصری است (۲۰) این ارمنی است (۲۱) این اهل کاپادوکیه (قسمتی از آسیای صغیر) است (۲۲) این اهل سارد است (۲۳) این اهل ایونی است (۲۴) این سکاکی آن طرف دریا است (مقصود سکاها ساکن شمال دریای سیاه میباشد) (۲۵) این اسکودرا (اهل تراکیه یعنی ولایت غربی اسلامبول و مشرق مقدونیه) است (۲۶) این یونانی تاکا بر است (یعنی یونانی که تاکامیبرد و تاکا بسر دارد و بعضی تاکارا همان مأخذ کلمه تاج دانسته اند ولی این حرف اساسی ندارد و صحیح نیست) تصویری که این کلمه بالای آن نوشته شده کلاهی شبیه شاپو بسر دارد و این نوع کلاه در پلکانهای بزرگ بر سر هیچیک از ملل تابع ایران نیست بنابراین یونانیان تاکا بر از ملتهای کم اهمیت بشمار میرفته اند (۲۷) این پونتی است

(سومالی کنونی) (۲۸) این حبشی است . (به اشکال شماره ۲۵ و ۲۶ مراجعه فرمایند) .

دخمه سومی هم که درمر احل اولیّه ساختمان بوده است خارج از محوطه تخت جمشید در انتهای اولین دماغه جنوبی کوهستان رحمت روبجنوب قرار دارد و برای مشاهده آن باید فاصله بین صفّه تخت جمشید و دماغه جنوبی کوه را طی نمود، ملاحظه این دخمه ناتمام از نظر مطالعه طرز جدا کردن تخته سنگهای بزرگ و چگونگی احداث دخمه شاهنشاهان هخامنشی قابل توجه مخصوص میباشد .

برج و باروی خشتی

صفّه تخت جمشید از طرف جلگه بواسطه دیوار سنگی مضرّس و مرتفع آن محفوظ بوده از طرف کوهستان رحمت هم از گوشه شمال شرقی صفّه در تمام خطّ الرأس و قلّه کوهستان که مشرف به سطح صفّه است تا محلی که خطّ الرأس مزبور بطرف جنوب شرقی صفّه سر از پروان متصل میشود باروی خشتی و برجهای متعدّدی داشته که آثار آن بخوبی هویدا و مشهود میباشد بنابر این عبور از طرف کوهستان بطرف صفّه منوط به گذشتن از میان برج و باروها بوده است .

درپائین کوه هم رشته برجهای بزرگتر از شمال تا جنوب صفّه دنبال یکدیگر واقع بوده اکنون پیلهای متعدّدی را تشکیل داده است و در سال ۱۳۱۶ یکی از این پیلهای مشرف بحیاط جنوبی خزانه بود مورد کاوش قرار گرفته دیوار های خشتی و اطاقهای متعدّدی در سطح پست و بلند آن کشف گردید و در کنار یکی از اطاقهای آن ۷ عدد لوحه سنگی بخطّ میخی بزبانهای پارسی قدیم یا بابلی یا عیلامی بدست آمد که برای

گوشه عمارتهای تخت جمشید تهیه شده هنوز آنها را به محلّهای منظور نبرده بودند، کلیّه این هفت لوحه بنام خشایارشا بود و سه عدد آنها را در غرفه آثار هخامنشی موزه ایران باستان بمعرض نمایش گذارده اند .
در خاتمه این رساله مناسب میداند از ائینه و آثار پائین صّفه تخت جمشید هم که از متعلّقات کاخهای معظم آنجا بشمار میرود اجمالاً گفتگو نماید .

آثار مجاور و پائین صّفه تخت جمشید

کوهستان رحمت در شمال و جنوب صّفه تخت جمشید دارای پیش آمد گیهای بطرف جلگه است که اهل محلّ آنها پوزه کوه میگویند در محوطه واقع بین اولین پوزه کوه در طرف شمال تا مسافتی بعد از نخستین پوزه کوه در جنوب صّفه آثار ساختمانهای مختلف هویدا است حدّ این آثار از طرف جلگه اولین نهر آبی که از پائین تخت جمشید میگذرد میباشد و البته محوطه ساختمانهای قدیم پائین تخت جمشید بواسطه مختصر ارتفاعی که بر اثر اطلال ساختمانها پیدا میکند از سطح نهر آب و اراضی زراعتی مجاور کمی بلندتر مانده است .

در محوطه بین دیوار شمالی صّفه و پیش آمد گی کوهستان در یک گوشه نزدیک کوه آستانه سنگی عیناً از آستانه های تخت جمشید نمودار است که بطور یقین از کاخ کوچک داریوش (تالار آئینه) با آنجا برده و نصب نموده اند و هیئت علمی تخت جمشید در سال ۱۳۱۲ اطراف آن حفّاری نمود و آثار ساختمانی شبیه حمام کشف شد .

تپه های کم ارتفاع چندی هم که بقایای ساختمانهای قدیمی دیگر است در همین محوطه نمودار میباشد .

در مغرب این محوطه آنطرف جاژه فعلی آثار ساختمان نسبتاً مهمی
 باديواره‌های خشتی و ته ستونهای سنگی و همچنین يك آستانه سنگی کوتاه
 و بهن که تصویر دو نفر در حال عبادت بر دیوارهای آن حجاری شده نمودار است،
 دانشمند فقید پرفسور هر تسفلد در رساله اطلال شهر پارسه که بوسیله دانشمند
 محترم آقای مجتبی مینوی ترجمه شده است این دو نقش را مربوط به يك
 فراه داره پارس (یعنی یکی از شاهان محلی پارس که دست نشاندۀ شاهان سلوکی
 بوده‌اند) و بانوی اوبحال نماز دانسته در باره آن در صفحه ۱۸ رساله مزبور
 چنین مینگارد: «این نقش از چند جهت اعتباری دارد: نخست اینکه آن تنها
 معرف يك زنست در پارسه، دیگر اینکه آن تنها نمونه نقر از زمان
 بلافاصله بعد از اسکندر کبیر است در ایران، زیرا از مقایسه این نقش با
 مسکوکات این عهد باید بدان تاریخی داد در حدود ۲۵۰ قبل از میلاد،
 بعلاوه نقش تنها نمونه فنون ظریفه از استیلاء بر شهر پارسه بعد از حریق
 است، آخر الامر با در نظر گرفتن توافق میان نقر با اختصاص ابنیه که چند
 دفعه به تحقیق پیوسته باید جزم کرد که این درم دخل آتشکده‌ای بوده است،
 کشف این دروازه منقور که از نظر تمام کاشفین متقدم فوت شده از جنبه تاریخی
 و معرفت آثار تاریخی فایده عظیمی دارد»

بواسطه همین اهمیتی که دانشمند فقید بمحلّ مزبور میداد در سال
 ۱۳۱۱ کوش مفصلی در آنجا بعمل آورد وفي الحقیقه آثار يك آتشکده معتبر
 منتها کمی دور تر در شمال غربی آستانه مزبور با پا ستونهای چهار گوش
 هخامنشی و پایه سنگی بزرگ چهار گوش همان عهد کشف نمود و بطور
 اجمال ته ستونها و آثار متعدد عهد هخامنشی در این بنا هویدا گردید و
 میتوان گفت کلیه بناهای این محل را در زمانی نزدیک پس از آتش سوزی
 تخت جمشید با استفاده از ته ستونها و آثاریکه از بالای تخت جمشید بدانجا

آورده بودند ساخته اند .

محلّه شمالی خارج از صفّه تخت جمشید بواسطه عبور سیلابهای درّه های کوه رحمت که از آنجا میگذرد آثار مهمّی در بر ندارد و جز آنچه فوقاً ذکر شد اثری در آن مشهود نیست و تنها باید گفت در سال ۱۳۱۹ کار کنان راه شوسه که شن و خاک سیلابهای سابق الذّکر را برای راهسازی برده و میبرند در کناره اوّلین مجرای سیلاب نزدیک دیوار شمالی صفّه دوشقاب نقره گل برجسته و طلا کاری کشف کردند که اکنون در قفسه اشیاء هخامنشی موزه ایران باستان نگهداری میشود .

در عهد هخامنشی هم گویا به سیلابی بودن محلّه شمالی توجه داشته اند و تابعه کاخهای تخت جمشید را بطور کلی در محلّه جنوبی احداث کرده اند و قسمتی از این ابنیه در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ خا کبرداری گشته پلکانها و ازاردها و کنگره های سنگی و ته ستونهای سنگی کوچک و بزرگ متنوع بادیوارهای خشتی و کف قرمز زمان داریوش نمودار گردید و قطعات مجسمه های شیر کوچک خوابیده از سنک سیاه هم بدست آمد که یکی از آنها در غرفه هخامنشی موزه ایران باستان نگهداری میشود .

بدیهی است محلّه جنوبی خارج صفّه تخت جمشید محتاج خاکبرداری و کاوشهای دامنه دار تری میباشد و امید میرود با پیشرفت کار بنگاه علمی تخت جمشید خاکبرداری بالای صفّه دیر یازود با تمام رسیده بتوان به کاوش محلّه جنوبی و نقاط متعدّد دیگر من جمله برجهای حصار تخت جمشید پرداخت و دور نیست که ضمن این خاکبرداریها علاوه بر آثار معماری اسناد تاریخی و اسناد نبشته بیشتری هم بدست آمده بیش از پیش تاریخ آثار بی نظیر تخت جمشید که از لحاظ تاریخ تمدّن عظیم ایران واجد اهمّیت منحصر

به فردی است روشن گردد(۱)

نگارنده ضمن تدوین این رساله در عین آنکه رعایت اختصار را نموده است برخی مطالب و اطلاعاتی را که در نتیجه اقامت سه سال و کسری در تخت جمشید و همکاری با دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد و بررسیهای مداوم با این آثار بدست آورده بود ذکر آنها را با وجود لزوم رعایت اختصار بنظر مناسب دید و از ایزد متعال توفیق خدمت باین آثار و سایر مفاخر ملی و اتمام و انتشار کتاب مفصلی را که درباره تخت جمشید و کلیه آثار باستانی جلگه تاریخی مرو دشت تهیه نموده است دارد بمنّه و کرمه



(۱) - در دیماه ۱۳۲۹ که این رساله در دست چاپ بود بنگاه علمی تخت جمشید در اطلال یکی از ابنیه غربی محله جنوبی خارج صفت تخت جمشید خاکبرداری نمود و روی یکی از ته ستونهای مکشوفه کتیبه خط میخی بنام خشیارشا نمودار گردید که در آن اشاره به ساختمان تچر بوسیله این شهریار شده بود و این کشف دو مطلب را تأیید مینماید یکی اینکه بشرح سابق الذکر توسعه خاکبرداری در قسمت جنوبی پائین صفت تخت جمشید توأم با کشف آثار مفید و جالب توجه بیشتری از شاهنشاهان هخامنشی خواهد بود و دیگر اینکه نام تچر هم مانند همدش به نوعی از بنا اطلاق میشده اسم يك عمارت بخصوص نبوده است .

ذیل

ترجمه خطوط میخی الواح زر و سیم تخت جمشید که از معتبرترین مدارك تاریخی این آثار معظم بشمار میرود در محل خود (صفحه ۹) نقل شد از سایر خطوط میخی تخت جمشید هم هر کجا ذکر می‌ان آمد مفهوم آنرا برای اطلاع باز دید کنندگان این آثار مرقوم داشت - اینک برای مزید اطلاع کسانی که بیش از آنچه فوقاً گفته شد مایل به اطلاع از مضمون کتیبه‌های میخی تخت جمشید هستند مینگارد که اصولاً کتیبه‌های تخت جمشید شامل جملات متشابهی مبنی بر نیایش آهورا مزدا و ستایش او از آفرینش زمین و آسمان و مردم و انتصاب شهریار برای مخلوق خود و نام پادشاه و پدر و نیای او و اشاره باینکه شهریار مذکور در آن کتیبه بنائی را که کتیبه بر آن نقر گردیده ساخته است و بالاخره دعا و درخواست از آهورا مزدا که آن پادشاه و کارهای او را در پرتو حمایت خود بگیرد میباشد و عموم آنها بسه زبان (فارسی قدیم - بابلی - عیلامی) نقر گردیده است و چون نقل ترجمه این کتیبه‌ها در متن کتاب ممکن بود باعث خستگی خوانندگان عزیز باشد و از طرفی ذکر تمام ترجمه‌ها موجب اطناب مطلب و تکرار مکررات میباشد لذا نگارنده ترجمه پنج کتیبه مهمتر تخت جمشید را بعین متن میخی فارسی مهمترین آنها بطور نمونه به شرحی که از نظر خوانندگان عزیز خواهد گذشت ذکر مینماید :

- ۱ - متن و ترجمه کتیبه دیوار جنوبی صفه تخت جمشید که بر روی دو لوحه پهلوی هم نقر گردیده است .
- ۲ - ترجمه کتیبه که بر بالای چهار پیکر بزرگ کاوهادر عمارت مدخل اصلی نقر شده است .
- ۳ - ترجمه کتیبه دیواره پلکانهای شرقی و شمالی کاخ آپادانا .
- ۴ - ترجمه کتیبه روی کاشی مربوط به حیاط شرقی کاخ آپادانا (اکنون در موزه ایران باستان است)
- ۵ - ترجمه کتیبه پلکان غربی کاخ تچر (تالار آئینه)

۱ - ترجمه کتیبه منقور بر دو لوحه بزرگ بر دیوار

جنوبی صفه تخت جمشید

لوحه اول (از طرف چپ)

آهورا مزدای بزرگ که بزرگترین خدایان است او داریوش را پادشاهی داد او بوی سلطنت عطا فرمود - بلطف آهورا مزدا داریوش شاه است .

داریوش شاه گوید این سرزمین پارس است که آهورامزدا بمن عطا فرمود سرزمینی نیکو دارای اسبها و مردان خوب از لطف آهورامزدا و کردار خویش داریوش شاه از هیچ دشمنی نترسد .

داریوش شاه گوید من از آهورامزدا درخواست حمایت دارم و خدایان دیگر نیز با من یاری فرمایند - آهورامزدا این کشور را - این سرزمین را از کینه و از دشمن و از دروغ و از خشکسالی حفظ کند - نه سال بد و نه کینه و نه دشمن و نه دروغ باین سرزمین نیاید - این رامن از آهورامزدا که بزرگترین خدایان است مسئلت میکنم آهورامزدا و سایر

خدایان آنرا اجابت و یاری فرمایند .

لوحهٔ دوم (۱)

من (هستم) داریوش شاه بزرگ شاه شاهان شاه کشور هائی که بسیار است ، پسر و پستاسب هخامنشی - داریوش شاه گوید بلطف آهورامزدا اینها کشور هائی است که من به کمک این لشکر پارسی داراشدم ، که از من بیم دارند و برای من باج میآورند - خوزستان - ماد - بابل - عربستان - آشور - مصر - ارمنستان - کاپادوکیه - سارد (لیدی) - یونانیانی که در خشکی و در دریا هستند - سرزمینهای که آن سوی دریا واقع است - ساگارتی - پارت - زَرَنکا (سیستان) - هرات - باختر - سغد - خوارزم - ساتاگوش - رُخج - گاندار - کشور سکاها - کشور مچاها .

داریوش شاه گوید اگر فکر میکنی که از هیچ کسی ترسم این مردم پارس را نگهدار ، اگر مردم پارس در قبال دشمن حمایت و نگهداری شوند خوشبختی که مدتهای دراز تباه نشود از جانب آهورامزدا بآن خانواده شاهی برسد

۲- ترجمه کتیبه که بر بالای پیکر گاوهای بزرگ

در مدخل اصلی تخت جمشید چهار بار هر بار بسمه

زبان نقر شده است

خدای بزرگی است آهورامزدا که این زمین را آفرید که آن آسمانرا آفرید که مردم را خلق فرمود که بمردم شادی داد که خشایارشا را شاه نمود یگانه شاه از میان شاهان بسیار و یگانه فرمانروا از میان

۱ - متن میخی فارسی قدیم آن روی صفحه جداگانه بنظر خوانندگان کرامی میرسد

فرمانروایان بسیار- من (هستم) خشایارشا شاه بزرگ شاه شاهان شاه کشورهای. که ملت‌های بسیار دارد شاه این سرزمین بزرگ دور دست پهناور پسر داریوش شاه هخامنشی- خشایارشا شاه میگوید بلطف آهورامزدا این در را برای (مردم) همه کشورهای من ساختم- بسی چیزهای دیگر که در این پارسه (یعنی تخت جمشید) هست آنرا من ساختم و آنستکه پدرم ساخته است. هر بنائی که ساختم خوب و زیبا بوده آنرا بلطف آهورامزدا ساخته‌ام- خشایارشا شاه میگوید آهورامزدا مرا حفظ کند و سلطنت مرا نگهدارد آنچه من کردم و آنچه پدرم کرد آهورامزدا آنرا پیاید.

۳- ترجمه گتیه پلکانای بزرگ آبادانا

خدای بزرگی است آهورامزدا که این زمین را آفرید که آن آسمانرا آفرید که مردم را خلق فرمود که بمردم شادی داد که خشایارشا را شاه نمود یگانه شاه از میان شاهان بسیار و یگانه فرمانروا از میان فرمانروایان بسیار- من (هستم) خشایارشا شاه بزرگ شاه شاهان شاه کشورهای که ملت‌های بسیار دارد شاه این سرزمین بزرگ دور دست پهناور پسر داریوش شاه هخامنشی- خشایارشا شاه میگوید آنچه من کردم و آنچه پدرم در اینجا کرده است همه را بلطف آهورامزدا درست کرده ام آهورامزدا که بزرگترین خدایان است مرا و پادشاهی مرا و آنچه کرده ام حفظ فرماید.

۴- ترجمه گتیه روی کاشی مربوط به حیاط شرقی آبادانا

ضمن خاکبرداریهای سال ۱۲-۱۳۱۱ حیاط شرقی آبادانا در میان مقداری کاشیهای دارای نقوش گل و بوته های مختلف کاشیهائی هم با خطوط

میخی پیدا شد و دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد موفق گردید از بین آنها يك کتیبه فرس قدیم در ۱۴ سطر بطول ۱٫۲۵ متر و عرض ۱٫۰۷ متر ترتیب دهد. کتیبه مزبور در سال ۱۳۱۷ بموزه ایران باستان حمل و در غرفه آثار هخامنشی نصب شد (شکل ۲۷) اینک ترجمه آن :

خشایارشا پادشاه بزرگ میگوید بخواست اورمزد پدرم داریوش شاه بسی چیزهای نیکو ساخت و دستور داد بخواست اورمزد من این ساختمانها را خیلی بهتر نمودم . اورمزد و همه خدایان مرا و کشور مرا پاس دارند ،

۵- ترجمه کتیبه پلکان غربی کاخ نچر (نالار آئینه)

خدای بزرگی است آهورامزدا که این زمین را آفرید که آن آسمانرا آفرید که مردم را خلق فرمود که بمردم شادی داد که من (یعنی) اردشیر را شاه نمود یگانه شاه از میان شاهان بسیار و یگانه فرمانروا از میان فرمانروایان بسیار . اردشیر شاه بزرگ شاه شاهان شاه کشورها شاه این سرزمین میگوید که من پسر اردشیر شاهم اردشیر پسر داریوش شاه داریوش پسر اردشیر شاه اردشیر پسر خشایارشا شاه خشایارشا پسر داریوش شاه داریوش پسر ویشتاسب نام ویشتاسب پسر ارشام نام هخامنشی (بودند) اردشیر شاه میگوید این پلکان سنگی را من ساختم من درست کردم اردشیر شاه میگوید آهورامزدا و ایزد مهر مرا و این کشور را و آنچه من کرده ام حفظ کنند .

بقیه کتیبه های تخت جمشید نیز بهمین نهج مشتمل بر عباراتی نظیر

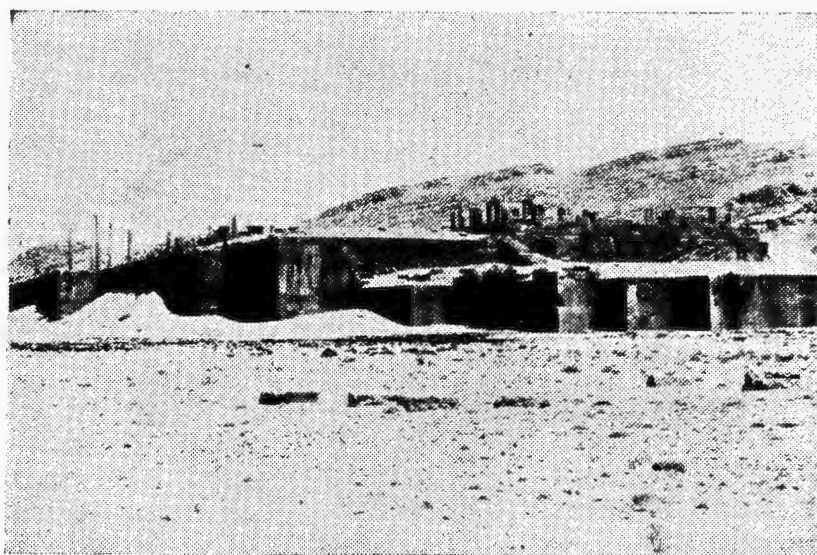
عبارات این چند کتیبه میباشد لذا تکرار آنها در این مختصر مورد پیدا نمیکند .

تصحیح و توضیح

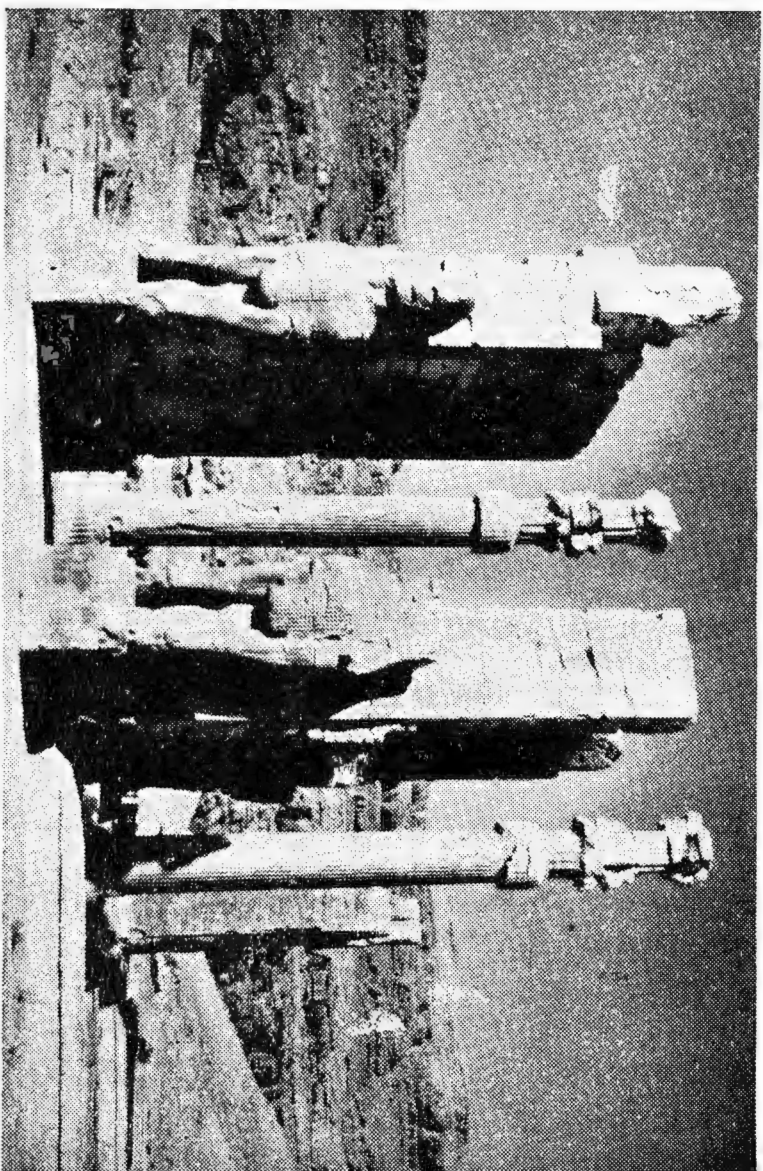
۱ - کلمه عملا در سطر ۱۸ صفحه ۳۶ غلط و عمدتاً صحیح است .
۲ - دو عدد از اطاقهای اندرون (صفحات ۳۲ و ۳۳) بعوض چهار ستون دارای شش ستون بوده است - این دو اطاق همانطور که در نقشه شماره (۱) دیده میشود نزدیک پلکان سنگی گوشه جنوب غربی کاخ هدش واقع بوده است .

۳ - همکار محترم و ارجمندم آقای علی حاکمی که اخیراً با همکاری آقای سامی رئیس نگاه علمی تخت جمشید نقشه کامل این آثار معظم را در همانجا تهیه و ترسیم نموده است ضمن دقت و تجسس در محلّ موفق گردید بعضی از قسمتهائی را که در نقشه های سابق مبهم و مجهول مانده بود روشن سازد مانند اطاقهای طرفین ایوان غربی کاخ آپادانا و پله های مشرق کاخ مرکزی و دو اطاق شش ستونی مذکور در توضیح شماره ۲ و نکات دیگری که علاقمندان با دقت در نقشه (۱) مشاهده میفرمایند و در متن کتاب هم اشاره باین گونه جزئیات مورد نیافته است .

پایان



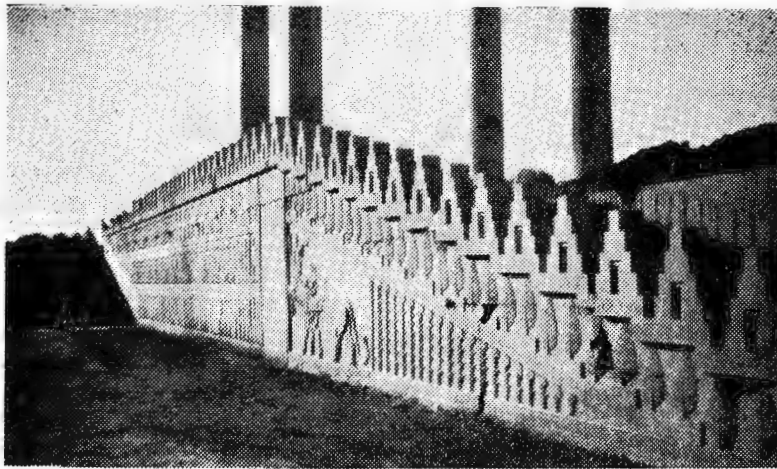
ش(۱) منظره صفت تخت جمشید از سمت جنوب غربی- این عکس قبل از سال ۱۳۰۹ خورشیدی که خاکبرداری و صیانت آثار تخت جمشید آغاز گردیده برداشته شده است



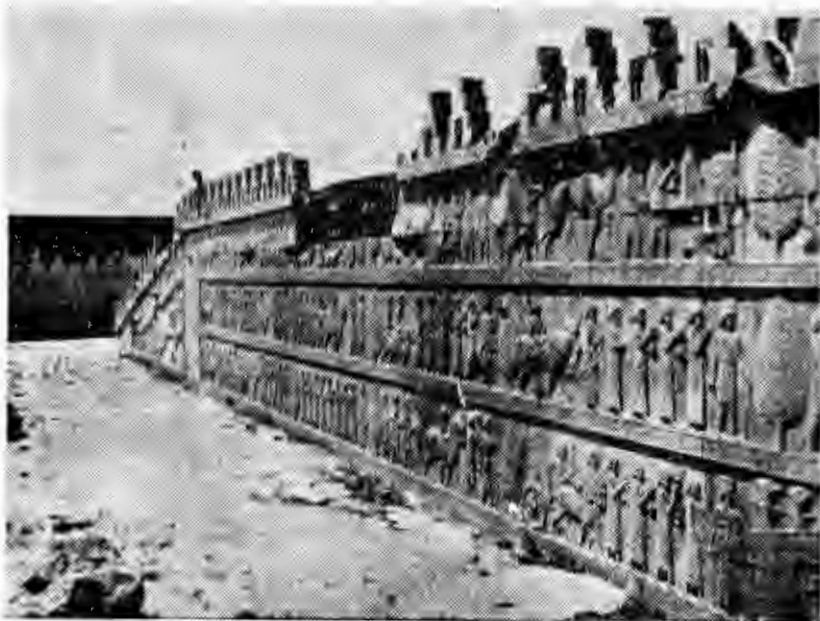
ش (۶) دروازه ورودی تخت جمشید از بالای پلکاهای بزرگ اصلی (عکس از آقای مرتضی رستمی)



ش (۳) شکل کاو های عظیم بالدار با سراسر انسان بر بدنه در گاه شرقی دروازه ورودی
(عکس از آقای مرتضی رستمی)



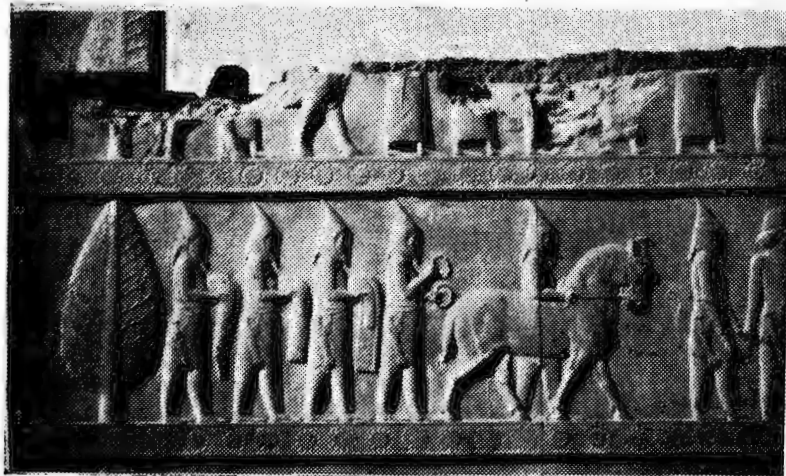
ش (۴) منظره بدنه شمالی دیوار سنگی پلکان شرقی کاخ آپادانا



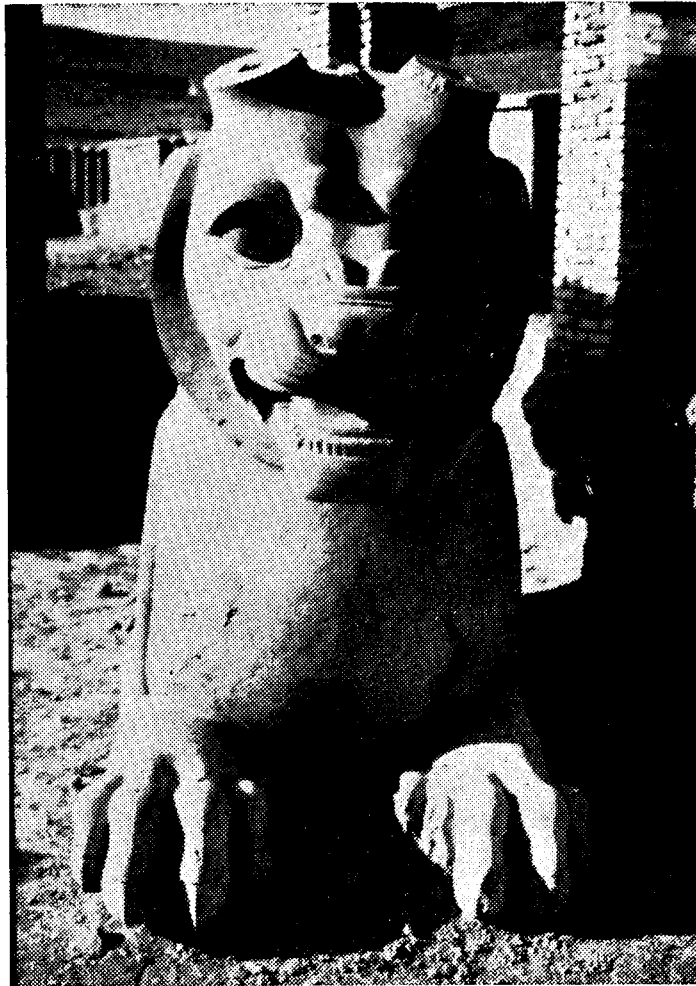
ش (۵) منظره نقوش برجسته ملل تابع ایران بر دیوار سنگی پلکان شرقی کاخ آپادانا
(این عکس بامساعدت آقای محمود دانشور جهانگرد ایرانی تهیه شده است)



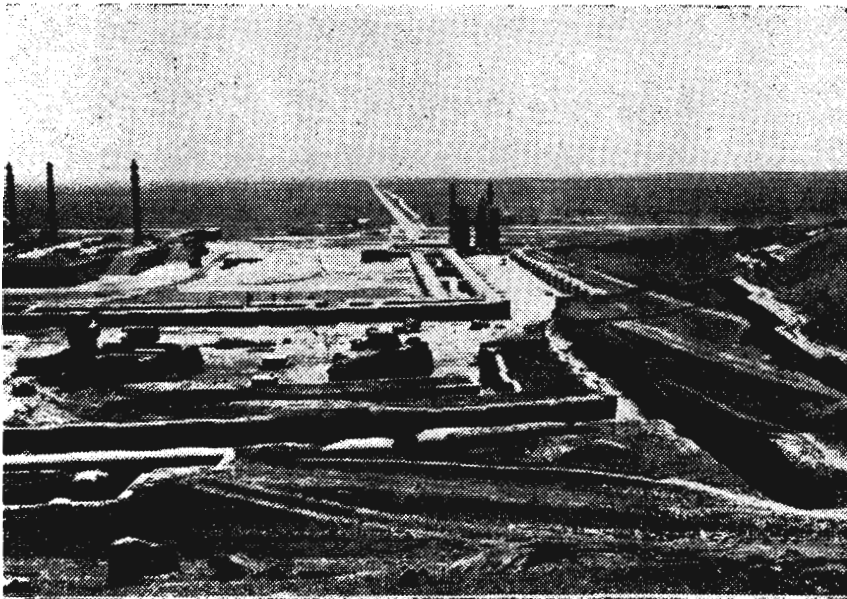
ش (۶) سه مجلس از نقوش پلکان شرقی کاخ آپادانا
 از بالا به پائین نمایندگان سیستان و سیلیسی (در آسیای صغیر)
 و رخیج (قسمت جنوبی افغانستان)



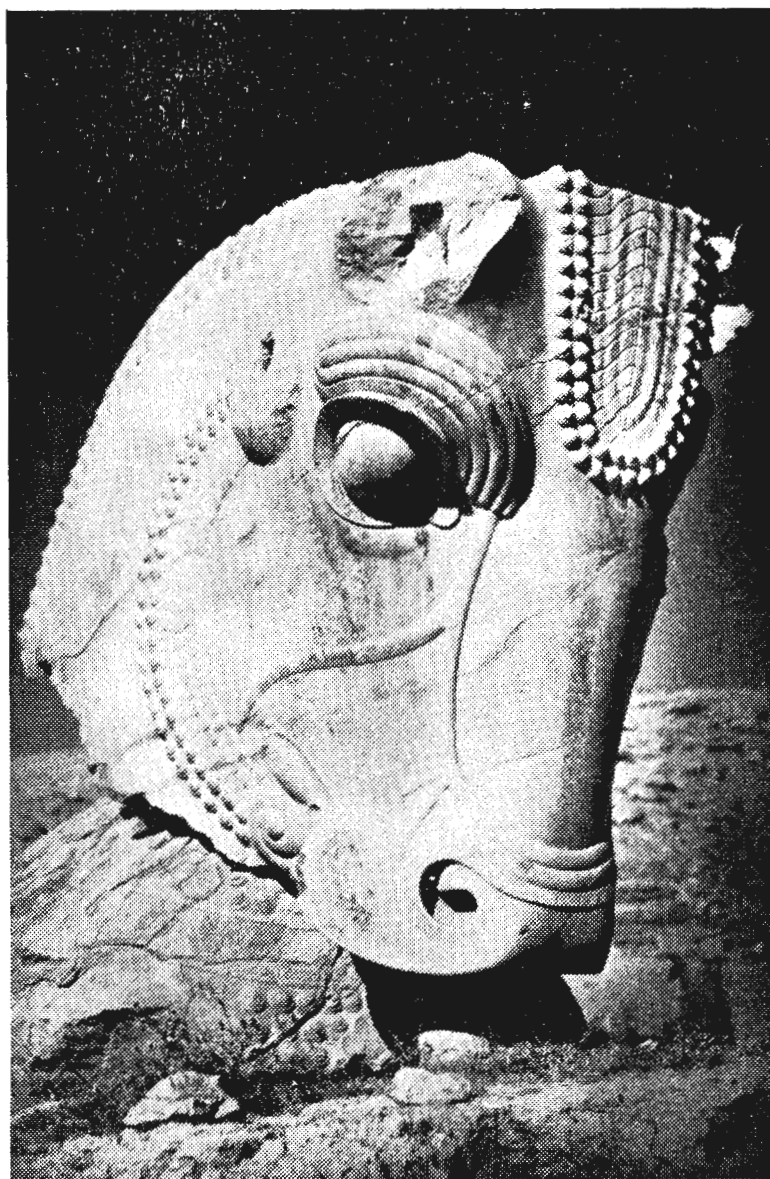
ش (۷) نقش نمایندگان سیکان نیز خود بریدنه پلکان شرقی کاخ آپادانا



ش (۸) سرستون بزرگ دارای دو سر و تنه شیرهای عظیم که برای ایوان شرقی کاخ آپادانا تهیه و از نصب آن خود داری شده است .
این سرستون در فروردین ماه ۱۳۲۱ که آقای محمود راد بازرس فنی باستان شناسی مدیریت بنگاه علمی تخت جمشید را عهده دار بودند کشف گردید
(عکس از آقای مرنضی رستمی)



ش (۹) منظره دروازه ورودی اصلی و خیابانی که آنرا بدروازه نیمه تمام شمال حیاط کاخ
صد ستون مربوط مینموده است با آثار دروازه نیمه تمام مزبور (دروست و سمت چپ)
(عکس از آقای گدار)



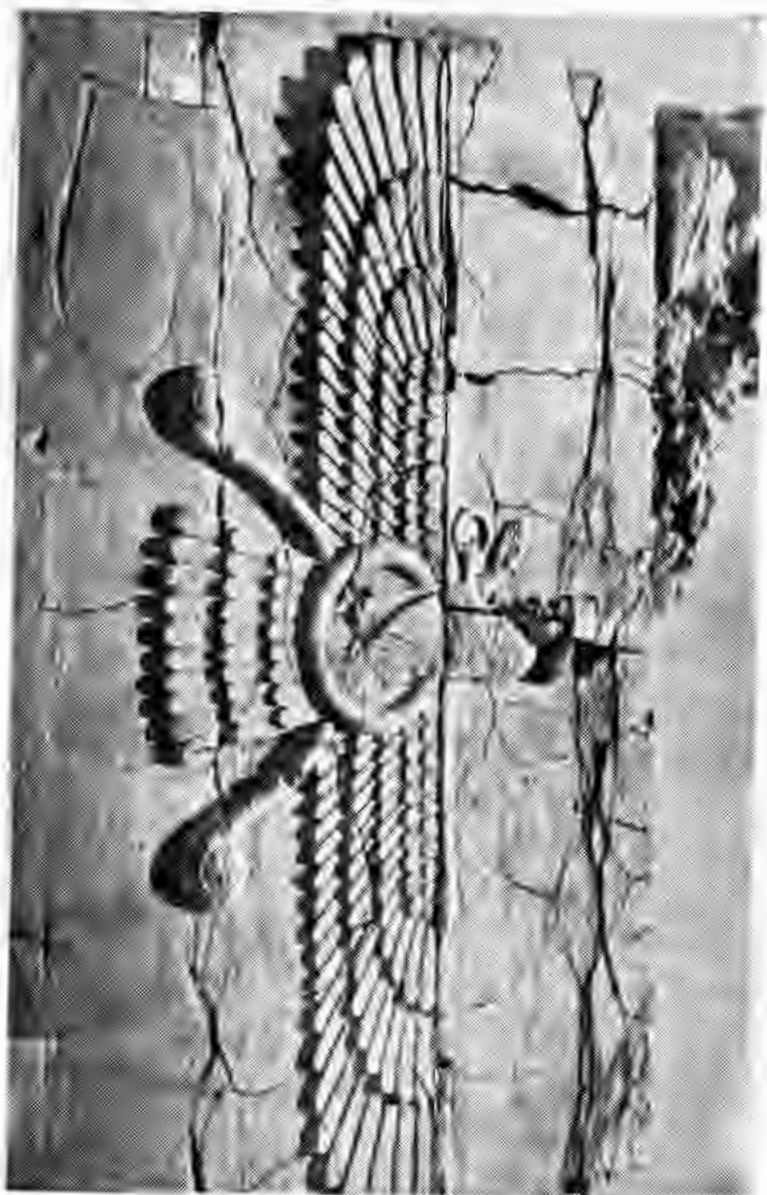
ش (۱۰) سر کاو عظیم الجثۃ سنگی متعلق بدیوار غربی ایوان صد ستون
(عکس از آقای مرتضی رستمی)



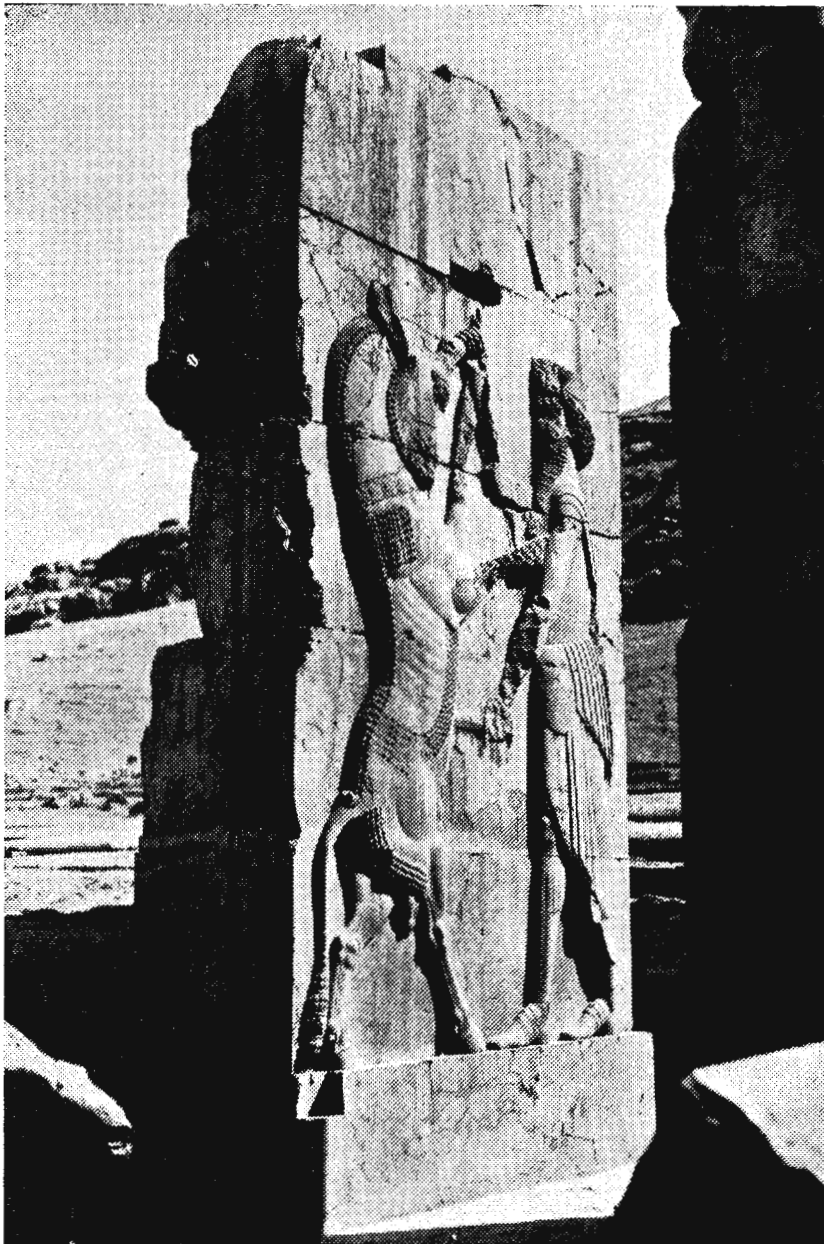
ش (۱۱) نقوش يك بدنه از دروازه های شمالی تالارصدستون
(عكس از آقای مرتضی رستمی)



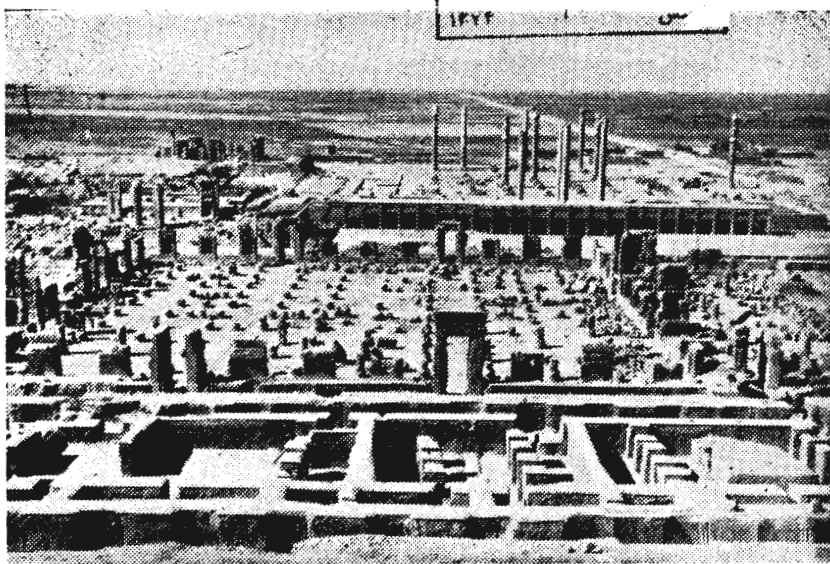
ش (۱۶) نقوش يك بدنه از دروازه های جنوبی تالار صد ستون
(عكس از آقای مرفعی رستمی)



ش (۱۳) - نقش فروهر که در قسمتهای مختلف آثار تخت جمشید حجاری گردیده است (عکس از آقای مرتضی رستمی)



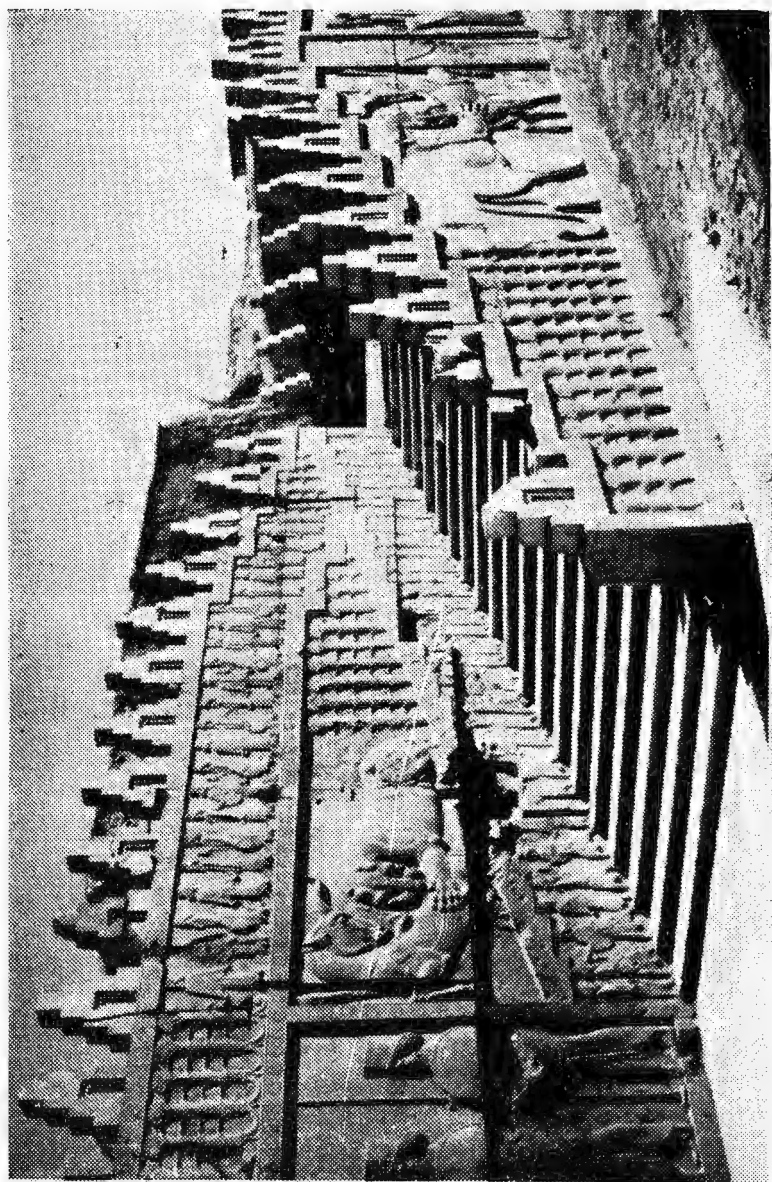
ش (۱۴) نقش پیکار شاه با گاو بر بدنه درگاه شرقی تالار صد ستون (عکس از آقای مرتضی رستمی)



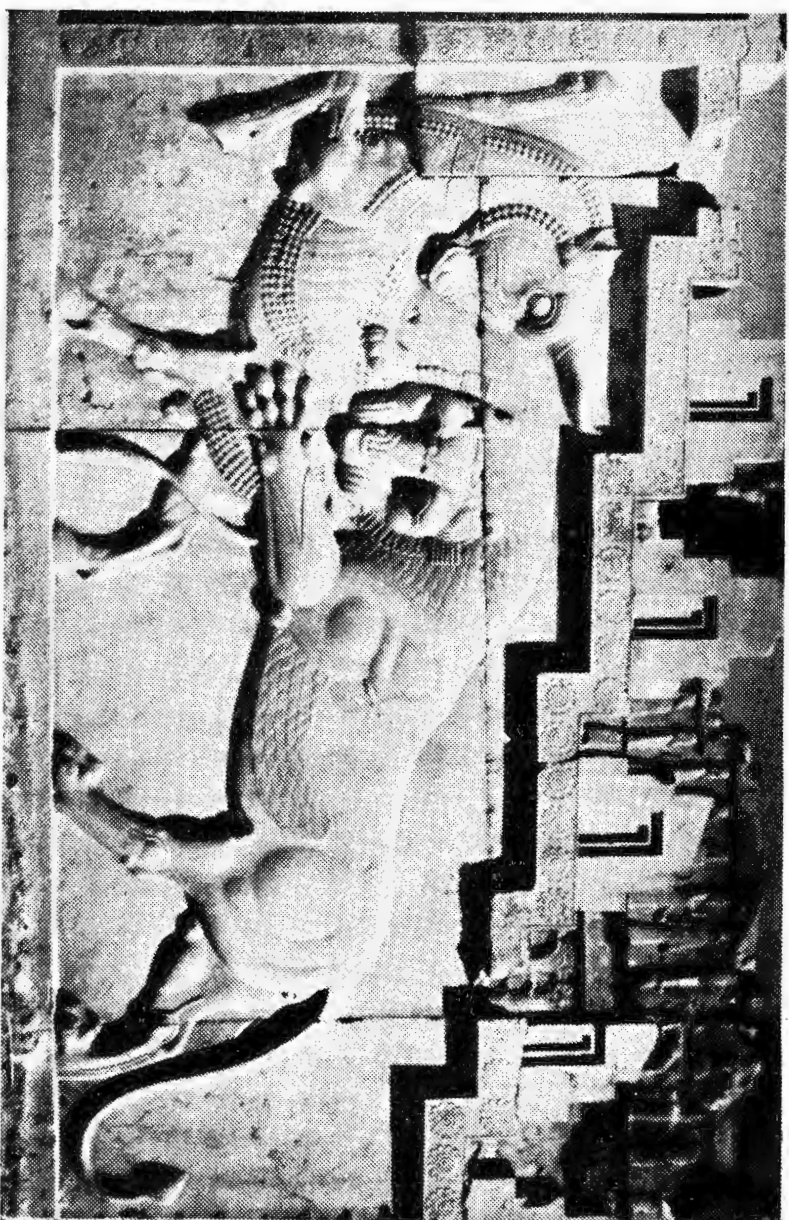
ش (۱۵) منظره عمومی کاخهای آپادا و صد ستون و کاخ مرکزی و تپّه از طرف کوهستان



ش (۱۶) خیابان سرتاسری مشرق کاخ صد ستون دریای کوهستان هنگام خاکبرداری در آبانماه ۱۳۲۹



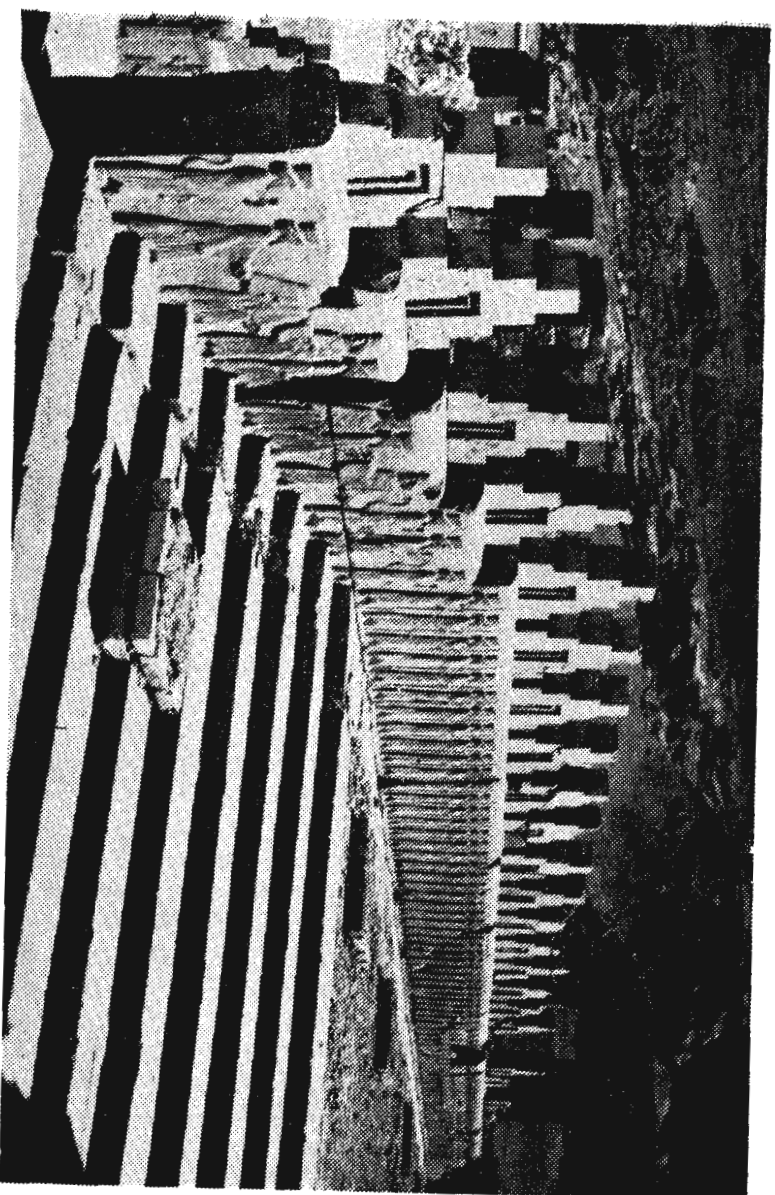
ش (۱۷) منظره نیمه غریبی پلکان بزرگ کاخ مرکزی (عکس از آقای مرتضی رستمی)



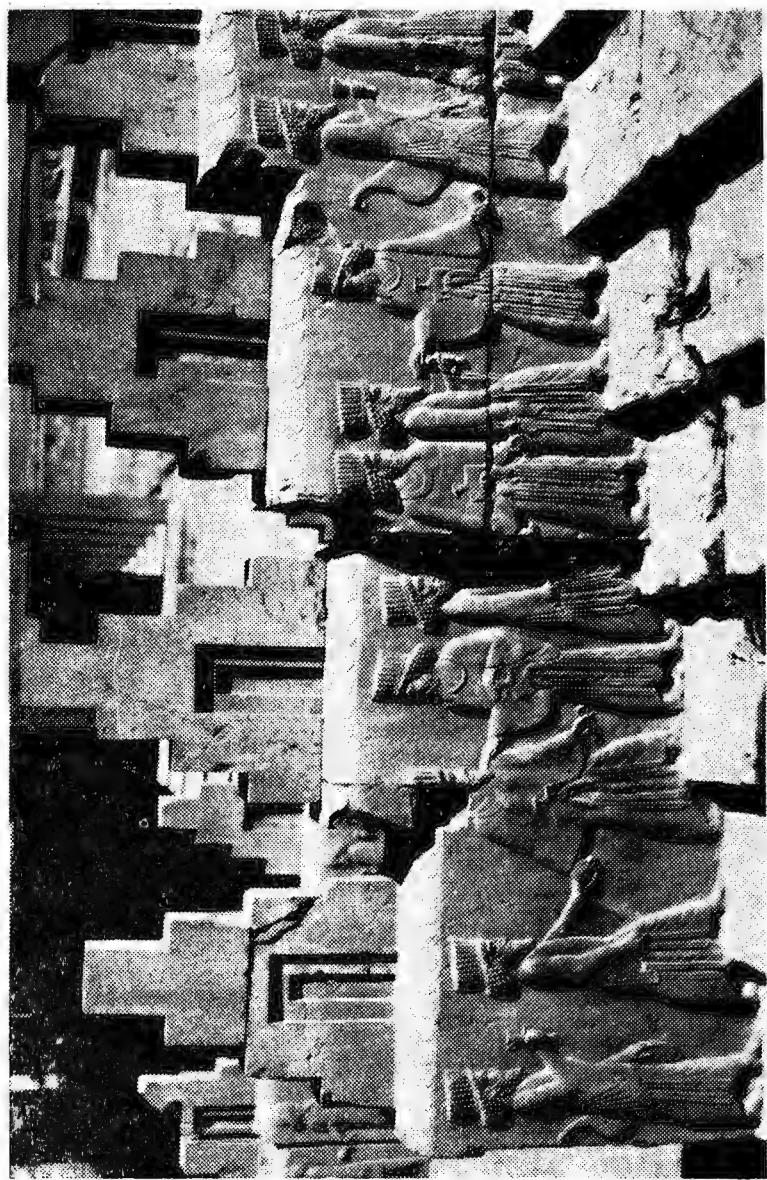
ش (۱۷) - مکرتر نقش برجسته شیر و گاو در بلکان بزرگ کاخ مرکزی (عکس از آقای مرتضی رستمی)



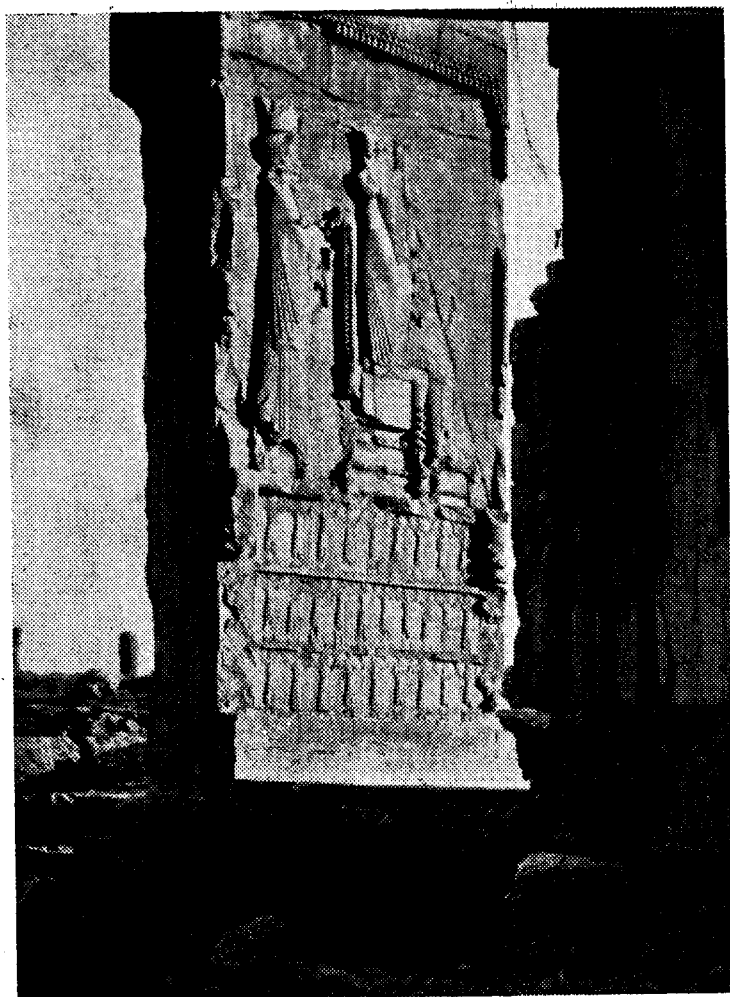
ش ۱۷- مکروه) نقش برجسته حيوان بالدار در پيشاني جلويوان کاخ مرکري (عکس از آقاي مرعني رستمی)



ش (۱۸) کنگره ها و دیواره سنگی ایوان و پلکان کاخ مرکزی (عکس از آقای مرتضی زبستی)



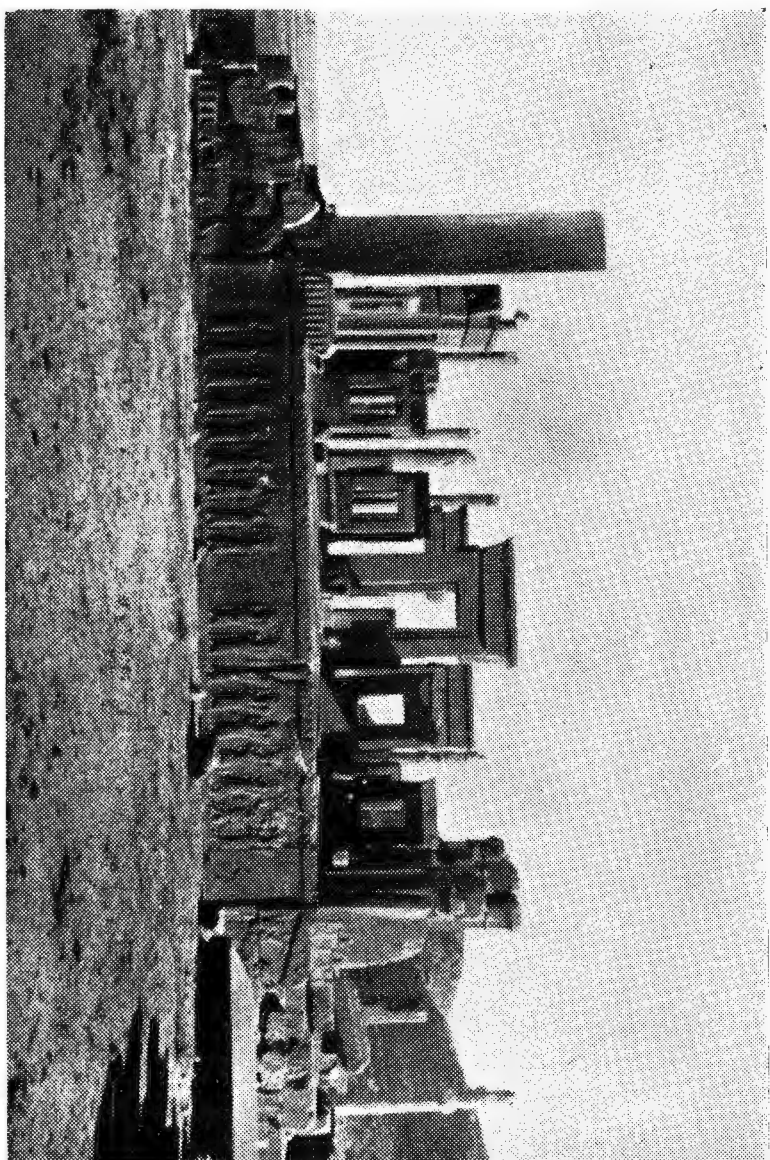
ش (۱۸- مکر) نقش افسران پارسی بردواره پلکان کاخ موزی (عکس از آقای مرتضی رستمی)



ش (۱۹) نقش درگاهی اطاق شرقی کاخ مرکزی



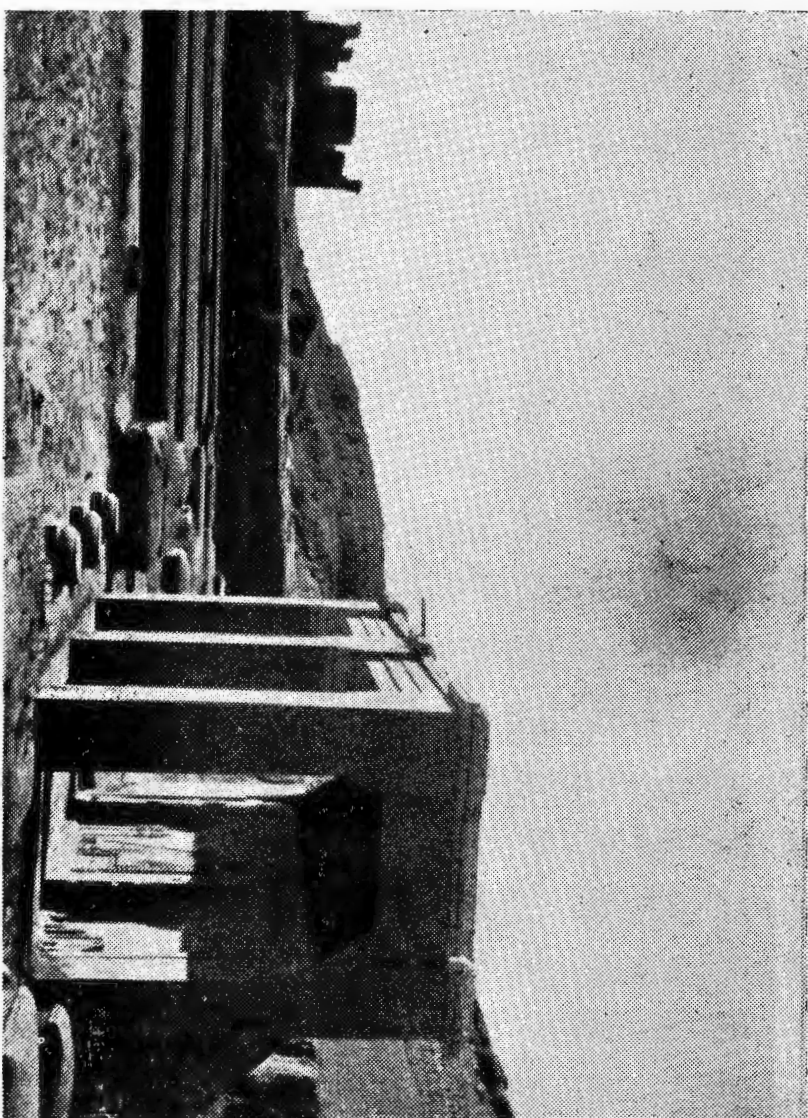
ش (۲۰) - قطعه سرستون ایوان جنوبی کاخ مرکزی که اکنون درموزه
ایران باستان نگهداری میشود



ش (۲۱) منظره کاخ تاجر با قصر کوچک داروش (تالار آئینه) از طرف جنوب



ش (۲۲) نقش‌داربوش "بردگاهی شمالی تالار تچر - دجل نصب جواهرات وسنك
 قیمتی که محاسن شهریار را مینمایانده بخوبی پدیداراست (عکس از آقای گدار)



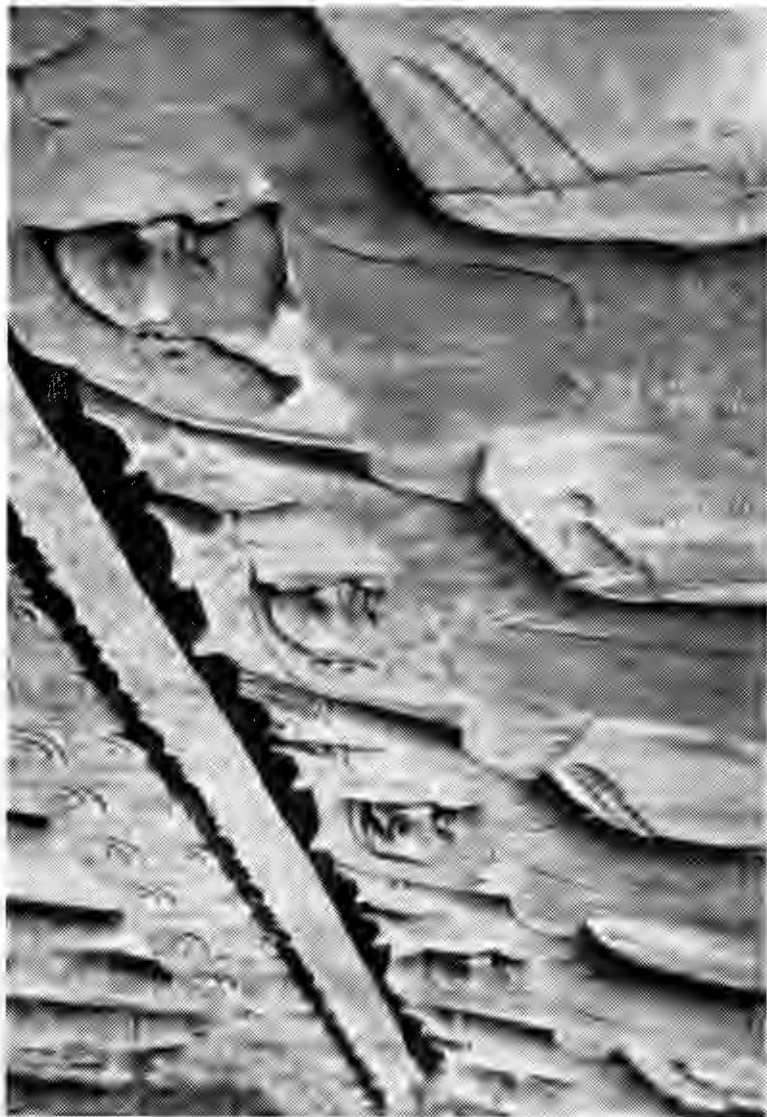
ش (۲۳) نقش برجسته ایران فرعی یکی از حسیله‌های قسمت خزانه در پناه سایان جدید الاحداث



ش (۲۴) نقش برجسته ایوان جنوبی حیاط خزانه هنگام کشف در سال ۱۳۱۶ - این نقش اکنون در موزه ایران باستان نگهداری میشود (عکس از هیئت علمی بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو)



ش (۲۵) دخمه منسوب به اردشیر سوم که در سمت جنوب شرقی صفا تخت جمشید در سینه کوه واقع گشته است



ش (۲۶) - قسمتی از ردیف زیرین نقوش برجسته دخمه منسوب ب اردشیر سوم که طبق نوشته های میخی بالای سر آنها از راست بچپ عبارتند از: یوتم، (اهل سوما) در افریقا - بونا، تا کا - بر - اهل تراکمه - سکای آن طرف دریا - اهل ایونی

متن میخی لوحه دو می کتیبه بزرگ صفة تخت جمشید بر قسمت وسط دیوار جنوبی صفة مزبور
 (استساخ و تحریر نگارنده کتاب - ترسیم آقای نقی آصفی)

و - ی ای ث ی آ ش خ - ش او و ی نس ا د - م و ا
خشیایه (شاه) داریاوش (داریوش) آدم (من)

م ا ن ی ای ث ی آ ش خ - ی ای ث ی آ ش خ - ک ز ف
خشیایه (شاهان) خشیایه (شاه) نذک (بزرگ)

آ ش ای ی ت - م آن او ی ه د - ی ای ث ی آ ش خ
دهونام (کشورای) خشیایه (شاه)

پورا (پورس) ویشاپایا (ویشاسب) یی نام پارنام (کریست)

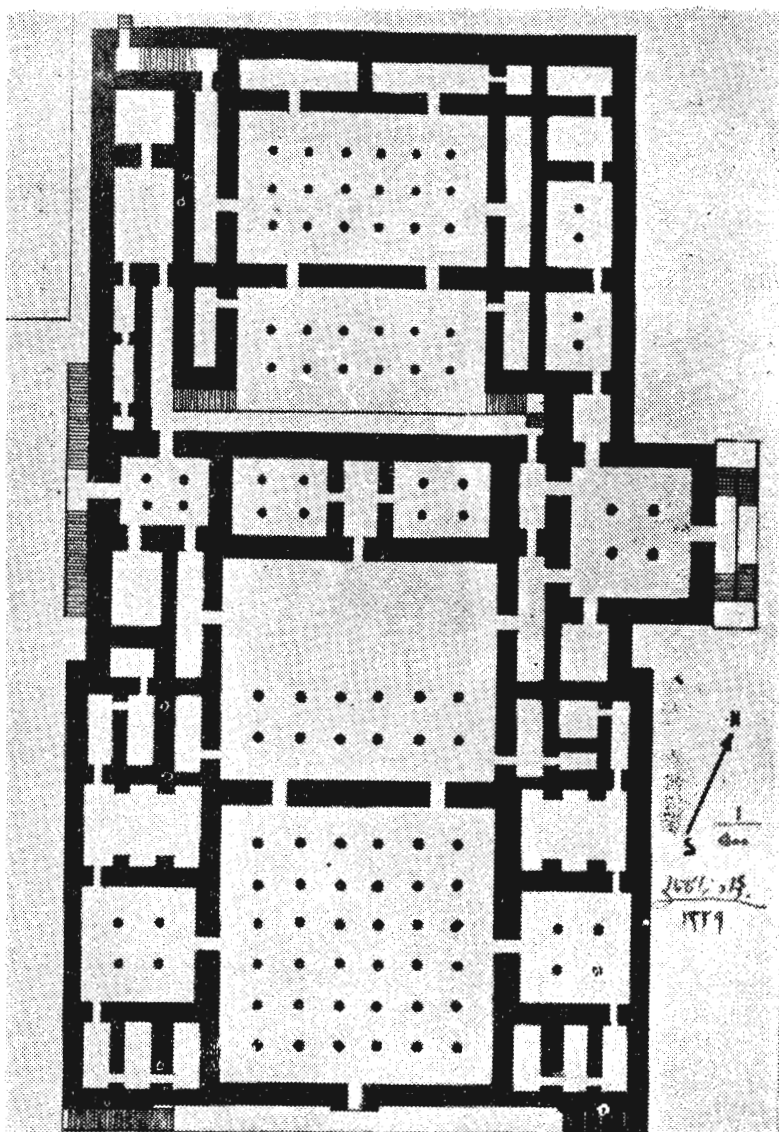
او و ی ر ا د - ی ای ت آ ش - ی ای ش ای ن م آ خ ه
داریاوش (داریوش) تانی (میکوید) تخانشا (نخانشی)

من اسم داریوش شاه بزرگ شاهان شاه
کشورای بسیار ویشاسب خشیایه - داریوش شاه گوید - ی ای ث ی آ ش خ ش
خشیایه (شاه)

چند سطر ابتدای لوحه دومی کتیبه بزرگ صفة تخت جمشید باقرائت و تلفظ
و ترجمه آن - از چپ بر راست خوانده میشود - استنساخ و ترجمه نگارنده کتاب -
ترسیم و تحریر آقای تقی آصفی



کتیبه کاشی ایوان شرقی کاخ آپادانا که اکنون در موزه ایران باستان نگهداری میشود
(ترسیم آقای نقی آصفی)



نقشه (۲) نقشه کاخ کوچک خشایارشا (هدیش °) و آثار احتمالی محل تپه شنی
که در شمال هدش و جنوب آبادانا قرار دارد (ترسیم آقای حواد- زاکانالی)

تصحیح لازم:

۱ - در شکل ۶ ردیف وسط نمایندگان آشوریان هستند و نگاره اشتباهاً در ذیل تصویر نمایندگان سیلیسی ذکر نموده‌ام این اشتباه موجب تأسف فراوان می‌باشد .

۲ - تالار مرکزی هدش همانطور که در صفحه ۲۸ متن کتاب توضیح داده شده در دو ضلع شرقی و غربی هر طرف دارای دو طاقچه و چهار پنجره بوده است .

چون روی نقشه ضمیمه که کلیه آثار تخت جمشید را نشان میدهد دو طاقچه مزبور هم پنجره نمایانده شده است بدینوسیله این اشتباه مذکور و تصحیح میگردد .

تصحیح لازم:

- ۱ - در شکل ۶ ردیف وسط نمایندگان آشوریان هستند و نگارنده اشتباهاً در ذیل تصویر نمایندگان سلیسی ذکر نموده‌ام این اشتباه موجب تأسف فراوان می‌باشد.
- ۲ - تالار مرکزی هدش همانطور که در صفحه ۲۸ متن کتاب توضیح داده شده در دو ضلع شرقی و غربی هر طرف دارای دو طاقچه و چهار پنجره بوده است.
- چون روی نقشه ضمیمه که کلیه آثار تخت جمشید را نشان می‌دهد دو طاقچه مزبور هم پنجره نمایانده شده است بدینوسیله این اشتباه مذکور و تصحیح می‌گردد.

نقشه کاغذی سراسر ایران

در باره

کتابچهدید

